

* حزب کمونیست هلند - ایالت آمستردام
* سازمان جوانان کمونیست شیلی - هلند
* سازمان جوانان کرد در اروپا
* کمیته هلند، برای امنیت و همکاری در اروپا
* حزب سوسیالیست شیلی - هلند
* حزب سوسیالیست کارگری ترکیه - هلند
* سازمان کارگران ترک در هلند
* کمیته شیلی
* سازمان دانشجویان و جوانان عراق - هلند
* کمیته ضد فاشیستی ایمنوند - نوردر
* سازمان حزب کمونیست عراق در هلند
بقیه در صفحه ۸

موج نیرومند ابراز انزجار نیروها، پیشرو جهان از جنایات رژیم خمینی در مورد زندانیان سیاسی ایران دم افزون است. اعتراض نسبت به توطئه های جنایتکارانه و ابراز تنفر و خشم نسبت به اعدام های انجام یافته گسترش می یابد؛ هلند

بازده حزب و سازمان انقلابی ملی نامه ای به سفارت جمهوری اسلامی در هلند، خواهان رعایت کنوانسیون بین المللی درباره حقوق زندانیان سیاسی و لغو حکم اعدام فدائیان اسیر شده اند.

اسامی این احزاب و سازمانها عبارتند از:

بحران اقتصادی و "استراتژی نوین جنگی"

ارزی، رژیم، امر تحصیل ارز نیز دچار مشکلات و دشواریها، بزرگی گشته است. هواپیماهای عراق، در هفته های اخیر، تقریباً همه روزه بر آسمان خاخر ظاهر شده و این پایانه نفتی حساس کشور را بمباران کرده اند. کارشناسان بین المللی بر این اعتقادند که از چهارده اسکله نفتی این ترمینال، ۱۱ اسکله دچار آسیب و خسارت گشته است. میزان خسارت وارده بر این پایانه نفتی، در ناحیه شرقی آن سنگین تر بوده و اسکله تی شکل (T) تقریباً به کلی منهدم شده است. بمباران مکرر و مداوم جزیره خاخر، صادرات نفتی کشور را با اختلال جدی مواجه ساخته است. امر صادرات نفت از این جزیره، بر ای مدتی بحالت تعطیل در آمد. کارشناسان پیش بینی می کنند که رژیم خمینی پس از این قادر نخواهد بود که مقادیر هنگفتی نفت از طریق این جزیره صادر نماید. بقیه در صفحه ۲

صادرات و فروش نفت یکنانه راه تامین ارز جمهوری اسلامی است. در واقع جمهوری اسلامی تنها با تحصیل ارز است که قادر می باشد ماشین جنگی سیری ناپذیر خود را تغذیه نماید و به تامین نیازهای اقتصادی و مصرفی کشور بپردازد. جنگ افروزان جمهوری اسلامی شدیداً محتاج آنند تا با صادرات نفت، کلان کلان سلاح و ساز و برگ جنگی خریداری نمایند. درآمد عظیم نفتی اواخر سال ۶۱، سال ۶۲ که واردات ۲۲ میلیارد دلاری را در پی داشت، به وضوح نشان می دهد که جمهوری اسلامی برای رفع نیازهای خود محتاج تحصیل ارز کلانی است. کل میزان صادرات غیر نفتی جمهوری اسلامی، به دور از تمامی تبلیغات و جار و جنجالها، دولتی، به سختی قادر است که نیازهای ارزی جمهوری اسلامی را برای بیش از ۱ روز برآورده سازد. به موازات افزایش نیازهای

سرچشمه هراس

تفها ۶۱/۶ درصد نمایندگان به فتوای خمینی مبنی بر تداوم عمر دولت موسوی تمکین کردند و بقیه از این فتوا سرپیچیدند. این گونه سرپیچی آشکار از امر "اولی الامر" بدعتی است که باید بر وی خیلی کران باشد و وقتی بدین شدت صراحت یافت به سرعت دامنه خواهد گرفت. به قول یک نماینده مجلس متولی ها حرمت امامزاده را نگه نداشتند و حال که حرمت ولی فقیه این سان شکسته است، دیگر هیچ معجزه ای قادر نخواهد بود جبروت سابق وی را احیا کند.

بی ادبی متولی ها برای خمینی غیر قابل پیش بینی نبود. او از روی ناچاری به مداخله تن داده و از پیش پذیرای این گونه اسائه ادب از ساحت خود شده است. شدت تضادها او را به عرصه مداخله آشکار کشاند. نسبت بقیه در صفحه ۲

مجلس شورای اسلامی در جلسه روز ۲۱ مهر خود به موسوی رای تمایل داد. از مجموع ۲۶۴ نماینده حاضر در مجلس، تنها ۱۶۲ نفر به او رای مثبت دادند. ۲۸ نفر رایشان ممتنع بود و ۷۲ نفر مخالف. بدین ترتیب موسوی تنها با پشتوانه ۶۱/۶ درصد آرای نمایندگان مجدداً در مسند نخست وزیری ایفا شد. در مرداد ماه سال گذشته در جریان رای اعتماد مجلس در آغاز دور دوم حیات خود به موسوی، به حول و قوت فتوای ولی فقیه توانست ۸۰ درصد آرای نمایندگان مجلس را در پشت سر وی قرار دهد. این ائت چشمگیر حمایت نمایندگان از موسوی پیش از آنکه برای خود وی و کابینه از هم اکنون متزلزل و بحرانی خطرناک باشد، برای کل نظام حکومتی و در درجه اول ولایت فقیه خطرناک است. در واقع

سودان: آغاز مرحله ای دشوار

مقاله ای از محمد ابراهیم نقوده، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان مندرج در مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم"، شماره سال ۱۹۸۵

اصلی آن دوره از مبارزه، یعنی ایجاد جبهه ای وسیع برای دموکراسی و ثبات میهن، تحقق یافت. رژیم استبدادی سرنگون شد، انحلال نهادهای سیاسی، بقیه در صفحه ۱

سیاسی در سودان وارد مرحله نوینی شده است خلق ما به مدت ۶ سال برای برچیدن رژیم استبدادی و احیای آزادیهای دموکراتیک و استقلال ملی مبارزه کرد. با قیام ماه مارس، شعار

در هفته های اخیر رسانه های گروهی از شایعی درباره ناآرامی در خارطوم پایتخت سودان منتشر کردند. دولت سودان اعلام کرد بدنال جنگی سازی یک توطئه کودتا، در این شهر مقررات وضع فوق العاده برقرار شده است. به منظور درک بهتر مسائل و تالیفی که هم اینک، شش ماه پس از سرنگونی رژیم نمیری، انقلابیون سودان در برابر آن قرار دارند، اقدام به درج ترجمه بخشی از مقاله دبیر کل حزب کمونیست سودان که در شماره ۹ مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" چاپ شده است، می کنیم.

روند مبارزه طبقاتی و مبارزه



"اوین" مسئول گزینش و پذیرش دانشجویان

مقتدایی عضو و سخنگوی شوریایی قضایی طی یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی اعلام داشت که "شوریایی چنین مصلحت دید که ... امور گزینش و پذیرش دانشجویان که بر اساس فرمان هشت ماده ای امام زیر نظر شورای عالی قضایی فعالیت داشت به آن شورا محول شود. لذا بر اساس دستورالعمل، دو شعبه دادگاه انقلاب که در دانشگاه مستقر بودند منحل گردید و در صورت نیاز پرونده ها و مدارک موجود به مقامات ذیصلاح یا به دادگاه و دادسرای انقلاب اسلامی اوین تحویل می شود."

اوین این شکنجه گاه مخوف بقیه در صفحه ۲

رساتر باد فیرا د اعتراض خلق علیه ترور و اختناق، علیه شکنجه و اعدام!

بحران اقتصادی و "استراتژی نوین جنگی"

بقیه از صفحه اول

ارزاق و مایحتاج مردم است. رژیم نه تنها در عرصه نظامی، بلکه به ویژه از تشدید اعتراضات توده‌ها و بالاکرفتن موج نارضایتی مردم نیز می‌هراسد. حکام جمهوری اسلامی برای تخفیف این تکرانی‌ها، دست به تبلیغات گسترده‌ای زده‌اند. در هفته‌های اخیر، آنها در هر ریسمانی چنگ در انداختند و به هر شیوه تبلیغی توسل جستند، تا اوضاع اقتصادی کشور را کاملاً عادی و حتی فراتر از آن، مطلوب بنمایانند. همه مسئولین جمهوری اسلامی، از نخست وزیر گرفته تا معاون فلان بخش و وزارت بازرگانی، در هفته‌های اخیر به میدان آمده و مدعی شدند که اوضاع اقتصادی کشور دچار هیچگونه نارسایی نیست. نخست وزیر از مطلوب بودن کل اقتصاد کشور سخن راند، مسئول مواد غذایی وزارت بازرگانی، وضع مرغ و تخم مرغ، گندم و برنج را عالی توصیف کرد، مسئول قند و شکر، مدعی شد که خود کفا شده ایم. وزیر کشاورزی مدعی شد که سیل‌های بزرگ از گندم لبریز است، و از همه غلیظتر، وزیر نفت جمهوری اسلامی آنچنان دروغی را طرح کرد که در تشخیص کذب آن زیرکی ویژه‌ای نیاز نیست. وزیر نفت مدعی شده بود که جمهوری اسلامی توانایی آن را دارد که چند برابر میزان تعیین شده از سوی اوپک، نفت صادر کند. این ادعا آنگاه در معنای نشیفت که با گفته یکی از نمایندگان مجلس مقایسه گردد. این نماینده اعتراف کرده بود که "در شرایطی هستیم که شاید ناچار شویم مملکت را بدون فروش قطره‌ای نفت اداره کنیم" (کیهان هوایی-۱۷ مهر ماه).

به دور از های و هوی تبلیغاتی رژیم، بحران اقتصادی کشور به گوشه‌ای دم افزون تشدید می‌شود، و چون توده‌ها با پوست و گوشت خود این بحران را لمس و درک می‌کنند، از این روحکام مرتجع نمی‌توانند با توسل به جار و جنجال تبلیغی خود، آن را پوشیده و در خفا نگاه دارند. کاهش صادرات نفتی کشور، شیرازه برنامه ریزیهای اقتصادی را گسیخته است. نوربخش رئیس کل بانک مرکزی، اعتراف کرد که "اختصاص ارز به هر بخش علاوه بر اولویتها، بستگی به درآمد حاصل از فروش نفت در ماه قبل دارد" و این سخن یعنی افلاس رژیم. و این یعنی

ماشین جنگی جمهوری اسلامی، چون چاه ویلی، پسر ناشدنی است. جنگ افروزان حاکم، نمیتوانند کمترین اخلاقی را در کار این ماشین، تحمل نمایند. آنها می‌کوشند تا با توسل به هر شیوه‌ای، به صادرات نفتی خود ادامه دهند. رژیم با در نظر گرفتن همه تمهیدات جدید، در تلاش است تا از طریق لوله کشی و دیگر وسائل حمل نفت، از بندر عباس و بندر کنگاه در خصوص تداوم بخشیدن به صادرات نفت بهره بگیرد. آنها همچنین در نظر دارند تا از جزیره لوان و ناحیه شمالی جزیره خارک که زیر پوشش پدافند هوایی بوشهر است، استفاده کنند. رژیم عراق، چند روز قبل مدعی شد که تاسیسات نفتی واقع در بندر عباس را نیز مورد حمله قرار خواهد داد و حتی بیش از این، ادعا کرد که بمباران این تاسیسات احتمالی جزیره خارک می‌باشد. ولی با فرض اینکه، جمهوری اسلامی موفق به بهره گیری از این امکانات صادراتی گردد، قدر مسلم اینست که میزان صادرات نفت، نمیتواند، بهیچ رور حد سابق آن باشد. در واقع، هرگاه جمهوری اسلامی قادر گردد از همه امکانات جایگزینی در امر صادرات نفت بهره گیرد، باز دور از یقین نیست که صادرات نفتی ایران در حدود ۱ میلیون بشکه در روز خواهد بود.

کاهش صادرات نفت، رژیم را عموماً به عراس افکنده است. این امر در عین حال باعث تکرانی و تشویش فزاینده مردم نیز گشته است. تکرانی و تشویش مردم، کاملاً بهجا است، چه کاهش صادرات نفت به معنای قطعی ورود به آموزش عالی - فقط ۴۴ هزار نفر در کنکور تیر ماه امسال شرکت نمودند - ذکر کرده است. اما هیچکدام از این تمهیدات برای رژیم چاره ساز نخواهد بود. با سیم خاردار نمی‌توان سد راه طوفان شد. رژیم نه می‌تواند جلو اوج گیری دوباره جنبش دانشجویی را بگیرد - این را حرکتیهای اخیر دانشجویی می‌گوید - و نه می‌تواند جلو ورود اندیشه پیشرو و پیشرو را به دانشگاه بگیرد. این را جوهر انقلابی دانش می‌گوید، این را جنبش توده‌ای می‌گوید، این را عاجز و فلاکت و انزوای ایادی رژیم در دانشگاه می‌گوید، این را...

"اوین"؛ مسئول‌گزینش و پذیرش دانشجویان

بقیه از صفحه اول

وسلخ هزاران جوان انقلابی از سوی حکومتیان، و قیحه دانشگاه خوانده می‌شد اینک گویا برای اثبات همین امر است که امور پذیرش دانشگاه‌ها و مدارس عالی را نیز به اوین منتقل کرده اند!

دست اندرکاران رژیم خمینی رسوایی خویش را بحدی گسترده می‌بینند که دیگر پرده پوشی و عوامفریبی را دست و پا گیر و بی‌بهره می‌یابند. دیگر رسا اعتراف می‌شود که اخراج و تعلیق دانشجویان و گزینش داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها توسط شکنجه گران و ساراکیهای رژیم و در اوین پیش برده می‌شود.

در بهار سال ۱۳۵۹ رژیم خمینی در هراس از اندیشه پیشرو و گسترده‌ی و قدرت‌مندی جنبش دانشجویی کشور و در ستیز با دانش و تفکر علمی، دانشگاه‌ها را مسخر ساخت. از همان آغاز به اصطلاح "انقلاب فرهنگی" تجسس و تلاش برای جمع آوری اطلاعات آغاز گشت. در طی دوران سه ساله تعطیلی دانشگاه‌ها و پس از بازگشایی، کشتار، دستگیری، بیکرد، اخراج و تعلیق دانشجویان و استادان مبارز و انقلابی به شکل بسیار گسترده دنبال شد. بطور متوسط در مراکز مختلف آموزش عالی از ثبت نام مجدد نزدیک به $\frac{1}{3}$ دانشجویان مانعت بعمل آمد. برای این منظور ارکانها و ایادی جاسوس رژیم در دانشگاه‌ها وسیعاً بکار گرفته شدند. در هر واحد آموزشی ارکانی به نام "شورای پذیرش" شکل گرفت. سعی فراوانی در مخفی ماندن ترکیب این "شورا" بعمل می‌آمد. از آنجا که بخشی از فعالین سازمانهای سیاسی انقلابی را دانشجویان تشکیل می‌دادند همکاری و همپیوندی نزدیکی بین مراکز سرکوب و تشکلهای دانشجویی رژیم برقرار گشت. برخی از اعضا انجمن‌های اسلامی، شکنجه و بازجویی مبارزین و انقلابیون را پیشه کردند و هم اینان و همکارانشان "شورای پذیرش" را می‌گرداندند. پرسشنامه ثبت نام برکهای بازجویی‌رانی‌مانست. "وحدت حوزه و دانشگاه" در شکنجه گاه اوین تحقیق یا یافت.

به دنبال افزایش اعتراضات دانشجویان اخراجی و خانواده هایشان و بن بست آموزشی رژیم، استقرار دادگاه‌هایی در دانشگاه‌ها جهت رسیدگی به پرونده این دانشجویان از سوی شورای عالی قضایی

و با هدف عوامفریبی اعلام شد. همانگونه که در سخنان مقتدایی نیز قید شده است این دادگاه‌ها پس از "فرمان هشت ماده‌ای" تشکیل گردیدند و به دنبال آن تعداد اندکی از دانشجویان تعلیقی که با اتهامات غیر سیاسی از تحصیل باز مانده بودند مجدداً پذیرفته شدند.

ایفک افزایش تقابل مردم با مرتجعین حاکم که به معنای افزایش وحشت رژیم از حرکت های توده ایست، نمایان است. در عرصه دانشگاه این وحشت خود را به شکل تاکیدیهای مکرر رهبران رژیم بر ضرورت اعمال تدابیر هر چه شدیدتر در جلوگیری از ورود دانشجویان پیشرو و مبارز به مراکز آموزش عالی کشور نشان می‌دهد. جمله خمینی که همه گرفتاری های ما از دانشگاه است بازتاب همین وحشت است. سهرود علنی امر پذیرش دانشجویان به دادگاه و دادسرای انقلاب اسلامی اوین را باید در همین راستا تکریمت. ضمن اینکه رژیم می‌اندیشد بدین طریق بیکری اعتراضات دانشجویان نیز شکست صورت خواهد پذیرفت.

اما فقط امر پذیرش دانشجویان دانشگاه‌ها به "اوین" و ارکانهای اطلاعاتی سیرده نشده است. تجسس و انجام تحقیقات در مورد قبول شدگان کنکور نیز مدت‌هاست که بر عهده این ارکانها نهاده شده است. در این مورد فاضل وزیر فرهنگ و آموزش عالی در بهمن ماه سال گذشته گفت: "از این پس برای این منظور مقرر شد ضوابط گزینش و نحوه استعلام از مراکز مطمئن و موثق رسمی در سال آینده به اجرا گذاشته شود یعنی از این پس برای تحقیق از منابع محلی غیر رسمی استفاده نخواهد شد."

این "مراکز مطمئن و موثق" و به بیان اطلاعاتیه هیات مرکزی گزینش دانشجو: "تمامی خواهران و برادران دست اندر کار" پس از سه ماه و نیم تجسس و تحقیق با استفاده از ردیلا نه ترین شیوه‌ها نتایج آزمون سراسری امسال را منتشر ساختند. طبق اخبار رسیده بخش قابل توجهی از قبول شدگان آزمون علمی از طرف شکنجه گران و جاسوسان رژیم فاقد صلاحیت شده اند. اطلاعاتیه هیات مرکزی گزینش که تلاش نموده است این رقم به مراتب کمتر و مبهم بازتاب دهد، آنرا "کمتر از یک در صد داوطلبان

سرچشمه هراس

مردم ترسند. وی به آنان گفت: "به شکست کشاندن دولت... بر خلاف مصالح خودتان است." وی در حالی که خشم خود را از نمایندگان ثاقربان پنهان نکرد به همه تذکر داد که "ما الان در مشکلات هستیم و نباید دولت به مدت طولانی تعلیل بشود... انتقاد خصمانه نکنید، در نطق‌های پیش از دستور هتاکي نکنید، نباید یکدیگر را تضعیف کنید، هم‌دیگر را تضعیف نکنید!"

خمینی در این سخنرانی بسیار هراسان و عصبی بود. او می‌داند وقتی کار به جایی برسد که نمایندگان مجلس به "شبنامه" پخش کنی رو بیاورند و یکدیگر را متهم به براندازی، کنند، تا چه حد شکاف عاقی یافته و برای کل نظام خطرناک است.

سرچشمه هراس او مردمند و نه در اصل پس رفت یا پیش رفت یک جناح حکومتی. او در سخنرانی خود تاکید کرد که با تعقیب شکاف‌ها در دل حکومت، کل بنای رژیم در برابر سیلی که از این سرچشمه هراس خروشان و جوشان به راه می‌افتد، ست و تضعیف ترمی گردد. وی گفت: "چنانچه در مجلس اضطرابی واقع بشود، این تأثیرش در جبهه‌هاست، در کارخانه‌هاست، در کشاورزی‌هاست، در همه جا تأثیر دارد." وی ملتسانه و فریبکارانه از مردم خواست "که نسبت به این موضوع آرامش خود را حفظ کنند و هیچ حرکتی که بر خلاف آرامش است انجام ندهند... راجع به این که چه شده است حرفی نزنند و راجع به آینده مواظب باشند."

بی‌گمان مردم به این سفارش آخر خمینی عمل خواهند کرد. آنها مواظب آینده خواهند بود. اما دیگر بسیار دیر شده است که خمینی هم مواظب آینده خود باشد.

است نمی‌خواهد که همه ارکانها، تمام و کمال در دید قدرت آنان باشد.

اما این جناح از پانمی نشیند و در ضمن این که با صدای بلند ناراضی‌هایی عمیق خود بیخاطر از دست دادن پست نخست وزیری را اعلام می‌کند، حال، نیروی خود را برای تصرف پستهای کابینه متمرکز ساخته است.

کابینه ائتلافی با کابینه انحصاری؟ این بحث روز حکومتگران است.

منتظری در دیدار هفته گذشته خود با صد تن از نمایندگان مجلس که به ابقای موسوی در پست نخست وزیری و فتوای خمینی در این مورد رای مثبت داده بودند، جانبداری خود از نظریه کابینه انحصاری و به قول خودشان کابینه هماهنگ را اعلام نمود. وی گفت: "مصلحت اقتصادی کند که در دولت هماهنگی باشد و باید سعی کنید در دولت هماهنگی بوجود آورید. اگر هماهنگی باشد که خلاصه کار یکدیگر را خنثی کنند، این می‌شود فتنه."

خمینی در دیدار بسیار همان جماعتی که بعداً به دیدار منتظری رفتند، در این مورد موضع صریحی نگرفت و در واقع تپه خود را تا آن حد برانگیخت که چنانچه کابینه را بپراشد. او پیش از این که به منفعت این جناح یا آن جناح بیندیشد منفعت کلیت رژیم را در نظر دارد و به شدت نگران آینده است. او می‌داند که حکومتیان علی‌رغم همه تضادهایشان در یک چیز وحدت تام دارند و آن رودر رویی با مردم است. او در دیدار روز چهارشنبه ۲۴ مهر ماه خود با نمایندگان که به فتوای وی تمکین کرده بودند، این نگرش خود را یکبار دیگر تصریح کرد و همه را از آینده و

بقیه از صفحه اول

موافقین و مخالفین موسوی، در جریان رای تمایل، علی‌رغم این که در جای خود گویا و پیر معنی است، تمامی مدت و بعد این تضادها را منعکس نمی‌کند. فتوای خمینی بهر حال برخی از نمایندگان را به تقیه و مصلحت اندیشی واداشت و اگر این فتوای صادر نمی‌شد، نتیجه قطعاً بدین صورت درنی‌آمد.

سخنرانی خامنه‌ای بعد از مراسم سوگند رئیس جمهوری از این نظر بسیار پر اهمیت است. او گفت سوگند وی به شرطی "شرعی و جدی" است که اختیاراتی که در اصول ۱۲۴ و ۱۲۳ قانون اساسی مبنی بر حق انتخاب نخست وزیر و وزیران به رئیس جمهور داده شده از وی سلب نکرد. خمینی این اختیار را علماً از خامنه‌ای گرفت و نخست وزیری را به وی تحویل نمود که او همیشه بدان با بض خواهد تکیست.

این گونه دخالت‌ها و تداخل‌ها، در شرایط جمهوری اسلامی و در محافل و مجالس حکومتی به بحثهای مفصلی حول این که اختیارات نهادهای اصلی حکومتی چیست دامن زد. در این بحثها یک نظر تکیه را بر روی ولایت فقیه می‌گذارد و نظر دیگر کوش می‌کند در آنجا که منافعه اش اقتضا کند به نظر ولی فقیه واقعی تکیه دارد. این بحث حقوقی، پوششی است بر روی یک بحث اساسی‌تر، جناح فوق ارتجاعی و ماورای راست جمهوری اسلامی حق و حقوق بیشتری را می‌طلبد. اکثر قریب به اتفاق

نمایندگان که در مجلس، به موسوی و در واقع به فتوای خمینی رای مخالف دادند، به این جناح تعلق دارند. خاموشی یکی از چهره‌های سرشناس این جناح در سال گذشته علی یک سخنرانی در سینما تورم دانشگاه ملی بر این دیدگاه هم مسلکان خود تاکید کرد که از نظر آنها سیاست گذاری بر وفق مراد سرمایه است، اما در زمینه‌های اجرایی هنوز آنان که شایسته است رضایت سرمایه جانب نمی‌شود. (الملاعات ۲۲ آذر ۱۳۶۳) تقلای جناح ماورای راست برای قبضه پست‌ها در قوه مجریه بهمین خاطر و نیز برای تضمین آینده است. خمینی علی‌رغم باز گذاشتن دست آنها و تأیید سیاستهای آنان، از زاویه مصالح و الزامات حکومتی و همچنین از این نظر که حلقه اتصال همه جناحها

اینکه تمام دار و دسته اقتصاد گردانان و برنامه ریزان این بیت المال موریانه خورده رژیم، در حد چرتکه اندازان حیره‌ای خرد در بازار، که خرج و دخل خود را شبانه به حساب می‌نشینند، تنزل نموده‌اند.

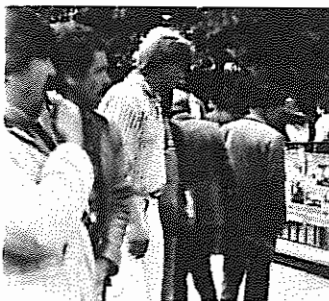
مشکلات ارزی رژیم، تأثیر سنگین و فوق العاده خود را بر روی واردات کالاهای صنعتی و مصرفی خواهد گذاشت. این مشکلات باعث خواهد شد که در ماههای آینده کارخانه‌های بیشتری به علت کمبود مواد اولیه و لوازم یدکی از حرکت باز بمانند و تعداد بیشتری از کارگران کشور اخراج شوند. واردات کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم و همچنین تولیدات داخلی این قبیل کالاهای کاهش خواهد یافت، در مقابل شرح تورم بالا می‌رود و خانمانسوزی و فقر و فاقه توده‌ها افزونی می‌گیرد. حقیقتی است که بار اصلی بحران اقتصادی به مردم کشور تحمیل خواهد شد. و رژیم از عکس العمل توده‌ها در قبال این نارسائی‌های حاد اقتصادی وحشت دارد. رژیم از حرکت مردم، از اعتراض و اعتصاب سخت می‌هراسد.

بدیهی است که عدم توانائی رژیم در تحصیل ارز مورد نیاز خود، به‌لادرننگ در سیاست، در اجتماع و به ویژه در جنگ نیز بازتاب خواهد یافت.

در چنین شرایطی است که حکام جمهوری اسلامی از استراتژی نوین جنگی سخن می‌رانند. حکام مرتجع می‌کوشند تا بار دیگر به ضرب تبلیغات و به زور سرنیزه، جوانان وطن را بر بایند، به جبهه‌ها گسیل دارند و به مسلح گاه جنگ بکشند. "استراتژی نوین جنگی" که هم اینک از سوی فرمانده سپاه تبلیغ می‌شود، در واقع چیزی جز سیاست قربانی کردن نیروهای انسانی در جبهه‌ها نیست. طبیعی است که حملات نفوذی و محدود نمی‌تواند رویاهای کیک زده حکام جمهوری اسلامی را در امر صادرات انقلاب اسلامی جامه عمل پوشاند.

حکام جنگ افروز جمهوری اسلامی در یافته‌اند که در جنگ فرسایشی جز باخت نصیبی نخواهند برد. استراتژی نوین جنگی و دعوتهای مکرر سپاه و ارتش، همگی دال بر این موضوع می‌باشند که رژیم "طرح" یک حمله گسترده دیگری را در اوج ناتوانی در سر می‌پروراند. استراتژی نوین جنگی، بن بست دیگری است بر سر سیاستهای جنگی رژیم خمینی.

تظاهرات ضد جنگ در شهر هامبورگ



نمایشگاه عکس علیه جنگ ایران و عراق بازدید کنندگان زیادی داشت.

شهر هامبورگ در روز ۲۱ سپتامبر شاهد تظاهرات فدائیان، توده‌ای‌ها و تعدادی از ایرانیان علیه جنگ خانمانسوز ایران و عراق بود. تظاهر کنندگان با حمل پلاکاردها و پرده‌هایی که بر آنها شعارها، ضد جنگ نقش بسته بود و سپس برگزاری نمایشگاه عکس از ویرانگری‌ها و نکبت جنگ، نفرت بی پایان مردم ایران را از ادامه جنگ به نمایش گزاردند.

سفنان خود، از بازتاب مسائل مربوط به درگیری‌های درون حکومتی به نیروهای انتظامی و نظامی اظهار نگرانی کرد و به نمایندگان و مسئولین در این خصوص هشدار داد. وی خطاب به نیروهای سپاه و ارتش گفت: "آنها نباید در امور سیاسی دخالت کنند..." به آنها مربوط نیست و آنها باید مشغول جنگ باشند."

اصلاح برنامه پنجساله اول و سیاستهای بودجه سال ۶۵

قائم مقام نخست وزیر در وزارت برنامه و بودجه طی مصاحبه‌ای، برنامه‌های اقتصادی کشور را چه در زمینه اصلاح برنامه پنجساله اول و چه درباره سیاستهای اقتصادی و بودجه سال ۶۵ تشریح کرد. برنامه بودجه سال ۶۵ و اصلاحات بعمل آمده در برنامه پنجساله نخست همگی بر اوضاع وخیم اقتصادی دلالت دارند. بر اساس این سیاست اقتصادی درآمد نفت منظور شده در بودجه سال ۶۵، کاهش یافته و در حد ۵۰ درصد کل درآمد رژیم تعیین شده است. معورهای اصلی سیاستهای اقتصادی رژیم عبارت است از کاهش هزینه‌ها که در واقع کاهش بودجه عمرانی است و اصلاح نظام اداری که منجر به اخراج دهها هزار پرسنل اداری خواهد شد و اصلاح بودجه شرکتها و تاکید بیش از پیش بر درآمدهای مالیاتی. در این برنامه توجه ویژه‌ای به طرحهای کوتاه مدت اقتصادی شده است.

قائم مقام نخست وزیر مطرح کرد که جمهوری اسلامی در صدد اخذ مالیات جنگی از مردم است. افلاس رژیم را واداشته است که سیاست فروش پروژهای کشور را به کشورهای خارجی تعقیب کند. قائم مقام مذکور متذکر شد که در قراردادی که بین ایران و ژاپن، اخیراً منعقد گردید، نیروگاه همدان به ژاپنی‌ها فروخته شده است.

کل بودجه سال ۶۵، ۲۳۵۰ میلیارد ریال تعیین شده است که نسبت به بودجه سال ۶۴ با کاهشی جدی مواجه است. در این بودجه، بودجه عمرانی کل کشور باز هم کاهش یافته و در حد ۹۵ میلیارد ریال محدود گشته است.

بازهم دیدارهای باشگاه‌های دسته یک تهران به تعویق افتاد

اکبر قاسمی یکی از اعضای فوتبال استان تهران، اعلام کرد، بنابه تصمیم هیات فوتبال تهران، مسابقات دسته اول باشگاههای تهران تا اعلام آمادگی کامل پلیس تهران برقرار نخواهد شد.

سرهنگ عباس معظمی رئیس پلیس تهران در مورد عدم آمادگی کامل پلیس توضیح داد که در حال حاضر ضلع جنوب غربی ورزشگاه نیروی در حال تعمیر و مرمت است و با توجه به اینکه مقادیر نسبتاً زیادی مصالح ساختمانی در محل ریخته شده، لذا تا زمانی که این مصالح ساختمانی ریخته شده در استادیوم شهید شریودی جمع آوری نگردد، برگزاری مسابقات در این مکان به مصلحت نیست.

لازم به یادآوری است که سال گذشته در جریان دیدار تیم‌های استقلال و پرسپولیس که منجر به تظاهرات ضد حکومتی و درگیری هزاران تماشاگر با سپاه و کمیته شد، تماشاگران برای مقابله از سنگ و پاره آجر نیز استفاده کرده بودند. بقیه در صفحه ۹

از مجموع ۲۶۲ نماینده مجلس ۱۶۲ نفر رای موافق، ۷۲ نفر رای مخالف و ۲۸ نفر رای ممتنع به ابقا نخست وزیر موسوی دادند. نکته جالب اهمیت در این رای، گیری همانا ۱۰۱ رای مخالف به حکم ولایت فقیه بود. این اولین باری است که نمایندگان مجلس صریحاً به مخالفت با حکم خمینی می‌پردازند.

مصاحبه موسوی

میر حسین موسوی نخست وزیر بعد از اخذ رای مجلس پیرامون پست نخست وزیر، در مصاحبه‌ای شرکت کرد. وی بی آنکه به آراء مخالف و ممتنع اشاره‌ای نکند، از نمایندگان مجلس بخاطر رای اعتماد نسبت به وی، ابراز تشکر کرد و اظهار داشت: "در آینده امیدوارم که هماهنگی و سازندگی بین نخست وزیر و رئیس جمهوری وجود داشته باشد." وی در مصاحبه خود اطلاع داد که لیست اسامی کسانی که برای احراز مقام وزارت در نظر گرفته شده‌اند، تحت بررسی است و تا دو سه روز دیگر کابینه خود را به رئیس جمهور معرفی خواهد کرد، وی متذکر شد تا دولت جدید با نظر شورای نگهبان آغاز به کار نکرده است، دولت فعلی به کار خود ادامه خواهد داد.

درگیری‌های درون حکومتی تشدید می‌شود

در هفته گذشته درگیری بین مسئولین مملکتی به فاز جدید، وارد شد تا آنجا که تعدادی از نمایندگان مجلس برای اولین بار به رای ولایت فقیه بر حفظ موسوی در سمت نخست وزیر، رای مخالف دادند. هماهنگی که پیش بینی شده بود درگیری‌های درون حکومتی بعد از انتخاب نخست وزیر فروکش نکرد، بلکه شدت گرفت و هم اکنون بر سر انتخاب وزیر امور خارجه شده است.

در هفته گذشته منظری و خمینی در ملاقات با نمایندگان مجلس، اضطراب رژیم را از حوادث کشور و هراس رژیم را از بازتاب این درگیری‌ها در میان مردم به نمایش گذاشتند. همه مسئولین مملکتی و همه رسانه‌های گروهی بر سر مصلحت و حیاسیت اوضاع و شرایط فراوان تاکید نمودند. خمینی تاکید کرد که "نمایندگان از هتاک به یکدیگر و از انتقادهای خصمانه پرهیز نمایند". خمینی نمایندگان را که رای مخالف به ولایت فقیه داده بودند، تهدید کرده و از نمایندگان و مسئولین مملکتی درخواست نمود تا مانع از درز این اخبار بین مردم گردند.

اعلام حمایت سران رژیم از ارتش

به دنبال حکم چندی پیش خمینی مبنی بر تبدیل شدن سپاه پاسداران به یک ارتش تمام عیار مجهز به نیروهای، هوایی، دریایی و زمینی، نارضایتی در درون ارتش فزونی گرفت. اخیراً مسئولین مملکتی در راستای تحجیب ارتش و تخفیف نارضایتی ارتشیان می‌کوشند. حجت الاسلام رفسنجانی در نماز جمعه روز ۱۹ مهرماه عنوان نمود که "به عنوان نماینده امام، هر روز اعتماد به پشتوانه بودن ارتش برای حفظ انقلاب و دفاع از کشور بیشتر می‌شود."

خمینی نیز روز چهارشنبه ۲۴ مهرماه طی سخنان خود خطاب به نمایندگان مجلس، بر حمایت از ارتش تاکید کرد و آنرا ارتش خوبی خواند. خمینی در

جنگ

در هفته گذشته نیز چون دیگر هفته‌های پیش از آن، کانون و محور اصلی جنگ، آبهای خلیج فارس بود و در جبهه‌های شمالی، غربی و جنوبی، جز حمله محدود، عملیات دیگری گزارش نشد. عراق مدعی شد که نیروی هوایی آن کشور برای بیست و هشتمین بار تاسیسات نفتی خارک را مورد حمله قرار داده است. ستاد مشترک ارتش نیز مدعی شد که یکی از هواپیماهای عراقی را در نزدیکی جزیره خارک سرنشون کرده است. نکته قابل توجه در اطلاعیه ستاد مشترک در مورد سرنشونی هواپیماهای عراقی این است که این گزارش پس از دو روز تاخیر در رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی انعکاس یافت.

ارتش عراق در ضمن مدعی شد که نیروی هوایی آن کشور به یک شناور در آبهای خلیج فارس حمله کرده‌اند. عراق اعلام کرده است که نیروی هوایی آن کشور ظرف ۱۵ روز گذشته هشت کشتی را در آبهای خلیج فارس مورد حمله قرار داده‌اند. نیروی دریایی جمهوری اسلامی نیز در هفته گذشته گزارش کرد که دو کشتی دیگر را توقیف کرده است. این دو کشتی متعلق به کشورهای سربلانکا و آلمان فدرال می‌باشند، که کشتی سربلانکائی بعد از عملیات تجسس، ظرف هفته گذشته آزاد شد ولی گزارشی مبنی بر آزادی کشتی آلمان فدرال منتشر نشده است.

ستاد مشترک در ضمن طی اطلاعیه‌ای، از پزشکان کشور برای شرکت در جبهه‌ها فراخوانی به عمل آورد. هیات دولت نیز پرداخت ۴۰ میلیارد ریال را، بطور فوق العاده به سپاه و وزارت دفاع برای انجام عملیات نظامی تصویب کرده است.

تهدیدات وزیر نفت

غرضی وزیر نفت جمهوری اسلامی در بازگشت از نشست اوپک، تهدید کرد که هرگاه عراق حتی یک بشکه پیش از سهمیه تعیین شده از سوی اوپک نفت صادر کند، جمهوری اسلامی، اقدام به صدور و بشکه اضافه خواهد نمود. اشاره آقای غرضی به خط لوله نفتی است که با استفاده از خاک عربستان سعودی، عراق را قادر ساخته است تا ۵۰۰ هزار بشکه بر صادرات نفت خود بیافزاید غرضی تهدید کرد که در قبال این ۵۰۰ هزار بشکه، جمهوری اسلامی یک میلیون بشکه بیشتر از سهمیه تعیین شده از سوی اوپک نفت صادر خواهد کرد. در خصوص افزایش صادرات نفت عراق، گزارش شده است که اخیراً این کشور در تلاش است تا با اجرای یک پروژه دیگر، با کمک یک شرکت آلمان فدرال خط لوله‌ای بین عراق و خلیج عقبه در اردن احداث نماید. لازم به تذکر است که تهدیدات وزیر نفت جمهوری اسلامی در شرایطی طرح می‌شوند که صادرات نفت جمهوری اسلامی به شدت کاهش یافته است، و جمهوری اسلامی حتی قادر نیست نصف مقدار تعیین شده از سوی اوپک نفت صادر کند.

مخالفت علنی با حکم خمینی

خامنه‌ای رئیس جمهور، طی نامه‌ای به رئیس مجلس، موسوی را به نخست وزیر معرفی کرد. سه روز پس از آن، یعنی در روز یکشنبه ۲۱ مهرماه، پیرامون نامه رئیس جمهور، رای گیری به عمل آمد و



گزارشی از تخلیه یکی از دستگاههای جنوب تهران

دبستان "شهید قاضی" با پیش از صد دانش آموز در محله صابون پزخانه تهران واقع است. این دبستان جزو املاک استیجاری آموزش و پرورش است که مشمول حکم تخلیه حاکم "شرع" شده است. در تاریخ ۱۹ شهریور در دبستان مدرسه را مهروموم کردند و صبح شنبه ۲۳ شهریور، مالک ساختمان با در دست داشتن حکم دادگاه جهت تخلیه مدرسه، همراه با مامورین کلانتری ۱۶ تهران در محل حضور یافت. اهالی محروم منطقه که از موضوع باخبر شده بودند، در جلوی مدرسه جمع گردیده و شروع به اعتراض نمودند. هر بار که مامورین میزها و شیکت ها را بیرون می آوردند با مقاومت و تعرض مردم مواجه می گشتند و در نتیجه وسایل مدرسه به داخل بازگردانده می شد.

کم کم برخورد ها شدید تر شد و به علت ازدحام مردم خیابان محل مسدود گردید. اهالی جهت مخالفت با مالک بسیاری از شیشه های دبستان را شکستند. مامورین شهربانی که از تعرض مردم هراسیده بودند، فرار از محله را ترجیح دادند و جای آنها را بیست مامور کمیته هرندی گرفتند. بر اثر حضور کمیته چپی ها، اعتراض مردم شدت گرفت. بطوریکه مامورین کمیته جهت پراکنده کردن آنها اقدام به شلیک گلوله هوایی کردند. کمیته چپی ها مردم را تهدید کرده و گفتند، اگر متفرق نشوید همه تان راه گلوله می بندیم. اما این تهدید ها بادشام های آنان روبرو گردید.

سرانجام مالک ساختمان مدرسه در هراس از مردم، گریخت. مامورین کمیته دوباره درب مدرسه را مهروموم کردند تا در وقت مناسبی اقدام به تخلیه وسایل آن کنند.

این ماجرا اهالی را شدیداً خشمگین ساخته بود. مردم مالک ساختمان را هنگام خروج وی از محله، تهدید به مرگ می کردند. یکی از زنان محله می گفت ما انقلاب نکردیم که در مدرسه ها را ببندند و بچه های ما را در کوچه ها سرگردان کنند.

مالک و مامورین حکومتی هنوز نتوانسته اند کاری از پیش ببرند.

به هنگام تخلیه دوازده مدرسه ابتدایی منطقه ۱۲ تهران نیز مالکین این مدارس با اعتراضات مردم و تعدادی از مدیران این مدارس روبرو شدند.

روستائیان و جنگ

چندی پیش در یکی از روستاهای مازندران به نام "داراب کلا"، پیکر دو جوان بسیجی را که در جبهه کشته شده بودند، تشییع می کردند. هنگام تشییع جفاژه آنها، خانواده ها و عده ای از اقوامشان که در مراسم شرکت جسته بودند با نفرت و انزجار عمیقی به رژیم و سرمداران آن ناسزا می گفتند. در پی این

جریان بین افراد بسیج و سپاه که کشته شدگان را تشییع می کردند و خانواده های مذکور، درگیری بوجود آمد که منجر به ترک مراسم توسط افراد بسیج و سپاه گردید.

مقاومت روستائیان

دربار ابر ژاندهای رژیم

در قریه "سلیم بهرام" مازندران، مرتعی وجود دارد که اهالی محل دام های خود را برای چرایه آنجا می برند. چندی پیش افراد ژاندارمری این مرتع را غصب و با سیم خاردار آنرا محصور کردند. این عمل با اعتراض مردم مواجه شد. آنها به محل مرتع رفتند و سیم های خاردار را کردند. ژاندارمری تعدادی از روستائیان را مورد ضرب و شتم قرار داد ولی به خاطر مقاومت اهالی ژاندارمری مجبور شد افراد بیشتری را بسیج نماید اما نتوانست کاری از پیش ببرد و ظاهر اتن به مذاکره داد.

مردم از میان خود نمایندگان جهت مذاکره با ژاندارمری برگزیدند. اما وقتی نمایندگان اهالی به ژاندارمری مراجعه کردند، ژاندارمها آنها را دستگیر کردند و مجدداً دست به حمله زدند. این بار مقاومت اهالی خشمگین قریه آنچنان محکم بود که ژاندارمها با شکست سختی مواجه گردیدند و ناگزیر نمایندگان روستائیان را آزاد و مرتع را رها نمودند.

آغوش باز جمهوری اسلامی

پیرای سرمایه داران فراری

حدود ۲۵ نفر از سرمایه دارانی که پس از انقلاب به خارج گریخته اند، طی درخواستی تقاضای بازپس گرفتن سرمایه و کارخانه هایشان را از دولت جمهوری اسلامی کرده اند. در پی این درخواست، از طرف دولت بخشنامه ای خطاب به بانک تجارت صادر گردید که در آن برپایز دادن سرمایه و کارخانه های فراریان تاکید شده است.

تقدیس عز او مرگ، ضدیت با شادی

در یکی از روزهای هفته سوم شهریور ماه، مردم حین تماشای فیلم شهر موش ها، ممانعت با موسیقی فیلم، دست می زدند. به همین سبب کمیته چپی ها به داخل سالن ریخته و فیلم را قطع کردند. ولی مردم به دست زدن ادامه دادند. کمیته چپی ها برای جلوگیری از شادی مردم، از کاز اشک آور استفاده کردند. در همین زمینه کمیته به اداره کنندگان سینما دستور داده است قسمتی از فیلم را که دارای موسیقی شاد است، سانسور نمایند.

معالجه معتادان به شیوه جمهوری اسلامی

معتادانی که برای ترک اعتیاد به جزیره متروکی در خلیج فارس فرستاده می شوند، به دلیل نبود آب آشامیدنی سالم و مصرف آب آلوده، به نوعی بیماری انگلی دچار شده و بقول اهالی بدنشان کرم می گذارد. این کرم ها که در زیر پوست بدن جمع می شوند توسط مبتلایان با چوب کبریت بیرون کشیده می شوند. اما اگر به تمامی خارج نگردند و دو تکه شوند، درد فرد مبتلا چندین برابر می شود. تاکنون

تعدادی از معتادان در اثر بیماری های مختلف و مشقت های ناشی از زندگی در جزیره جان سپرده اند.

من به کمتر از این قانع نیستم

چندی پیش به دنبال کشف بمبی در خیابان ولی عصر، حدود ۲۵ نفر را در محل دستگیر کردند. دستگیر شدگان یکشنبه در کمیته واقع در ولی عصر زندانی بودند و دو نفر از آنها که با هم در گوشی حرف می زدند، توسط کمیته چپی ها شدیداً مضروب گردیدند. روز بعد، پس از بازجویی های طولانی از دستگیر شدگان، به دلیل فقدان مدارک کافی آنها را آزاد کردند. هنگام آزادی یکی از کمیته چپی ها به دو نفر مضروب شده گفت: شما جان سالم بدر بردید. اگر به دست می می افتادید حداقل یک پا یا دستتان را می شکستم من به کمتر از این قانع نیستم.

انجیل های اسلامی!

به دستور مقامات جمهوری اسلامی، در قسمت بالای انجیل هایی که به تازگی چاپ شده اند، جمله "بسم الله..." نوشته شده است. این امر موجب خشم و نارضایتی هم میهنان ارمنی ما گردید. بدین جهت در اواسط شهریور ماه، ارمنه در اعتراض به این عمل، در کلیسا، خیابان کریم خان زند جمع شدند تا علیه این خودسری، تصمیمی اتخاذ کنند. اما تعدادی موتورسوار حزب الله به آنها ریخته و به ضرب و شتم ارمنه پرداختند. آنها با خشونت و وحشیانه چند زن ارمنی را از بالای پل کریمخان به پایین هل می دادند.

آنچه حزب اللهی ها انجام میدادند، انزجار شدید مردمی را که از خیابان کریمخان می گذشتند، برانگیخت.

افزایش محرومیت های تحصیلی دختران

به دختران دانشجوی رشته فیزیک دانشگاه ملی، اجازه داده شده است تنها در "گرایش" جامدات این رشته تحصیل کنند. رئیس دانشگاه در پاسخ اعتراض دانشجویان، به بخشنامه صادره از وزارت علوم و آموزش عالی اشاره کرده است. همچنین در دبیرستان های اصفهان از دانش آموزان دختری که مایلند در رشته ریاضی درس بخوانند، ثبت نام نمی کنند.

خشونت علیه دختران ارمنی

تعدادی از دختران ارمنی، از حجاب خاص خود (کلاه و شال روی آن) استفاده می کنند. اما این کار هم با خشونت مزدوران کشت امر به معروف روبرو گردیده است.

در سازمان انرژی اتمی

— اخیراً در سازمان انرژی اتمی مفاد بخشنامه ای مبنی بر جدا کردن زنان و مردان در تمامی سطوح و اجباری کردن مقنعه و حجاب اجرا گردیده است. این بخشنامه مشکلات فراوانی برای زنان شاغل در این اداره بوجود آورده است.

جمهوری اسلامی و عرصه "آگاهی اجتماعی"

بخش سوم

ایدئولوژی، جمهوری اسلامی، به دلیل همین نقش، جایگاه و کارکرد روحانیت در کلیت رژیم است.

در گزارش مذکور بلافاصله بعد از جملاتی که نقل شد، گفته شده است: "در این زمینه باید تاکید کرد که هیچ یک از طبقات و اقشار جامعه، به جز خود روحانیت به مثابه یک قشر اجتماعی، با این تمایل و تلاش روحانیت حاکم توافق کامل ندارند، اما

واقعیت سالهای اخیر نشان داده است که در آخرین تحلیل، حاکمیت جمهوری اسلامی، دارای ترکیب و ماهیت طبقاتی معین بوده است. باید تاکید کرد که ترکیب روحانی نیروی مسلط بر حکومت، به آن ویژگی خاص بخشیده و در خصلت طبقاتی آن، پیچیدگی‌های معین ایجاد کرده است. بنابراین این کاراکتر طبقاتی این ایدئولوژی، در سر جای خود باقی است. این ایدئولوژی نیز دارای بنیاد و کاراکتر و کارکرد طبقاتی معینی است. سؤال کلیدی برای درک کاراکتر طبقاتی این ایدئولوژی و هر ایدئولوژی دیگر، در عصر حاضر، بالطبع این پرسش است که موضع آن در قبال "سرمایه"، در قبال بهره‌کشی انسان از انسان و در قبال مناسبات طبقاتی موجود در جامعه چیست؟ مایشت از این گفتیم که برای رهبران این رژیم، "سرمایه" موجود، مقدس است، "مالکیت" الهی است و "نابرابری اجتماعی" امری مقدر است. همین موضع در قبال "سرمایه" و "مالکیت"، تکلیف اصلی این ایدئولوژی را روشن می‌کند. اما آیا این ایدئولوژی را می‌توان بطور ساده

ایدئولوژی بورژوازی ایران در وضعیت فعلی نامید؟ نه. مذهب اساساً عمده‌ترین شکل ایدئولوژی قرون وسطی است و روحانیون، "روشنفکران ارگانیک" نظام فئودالی هستند و نه طبقه بورژوازی. پس آیا این ایدئولوژی، "فئودالی" است؟ باز هم نه. اکنون برای این ایدئولوژی، هر چند هم که ارتدکسال و بنیادگرا باشد، هر چند که تمایل داشته باشد همه چیزها را به قرنها قبل بازگرداند، سرمایه‌داری، واقعیتی است بالفعل، واقعیتی است فرود آمده و تثبیت شده، واقعیتی است که نمی‌توان کاریش کرد جز آنکه با آن دمساز و همساز شد. تمکین به این واقعیت، خواسته و یا ناخواسته، این ایدئولوژی را به یک ایدئولوژی بورژوازی تبدیل می‌سازد.

باید توجه داشت که سرمایه‌داری، در جریان رشد خود در ایران، مذهب را کمابیش متحول ساخته و تمکین به واقعیت سرمایه‌داری، و انطباق‌های ناکزیر با آن، اساساً پیش از تبدیل این ایدئولوژی، به ایدئولوژی حکومتی صورت گرفته است. نشستن بر مسند قدرت، "در خود" های سازگار با سرمایه‌داری را "برای خود" کرده، جنبه‌های ناسازگار ایدئولوژی را تا حد ممکن به عقب رانده و یا به شدت تحت فشار قرار داده است. در این مسیر، دستگاهی بسیاری در جهت انطباق با واقعیت‌ها شکسته شدند، اما نه در جهت همسازي با آرمانهای انقلاب، بلکه برای حکومت کردن بر یک جامعه سرمایه‌داری وابسته به ایران زده، در جهت لگد مال کردن انقلاب و حفظ سلطه سرمایه.

در تحقق امر وصلت نامیمون این ایدئولوژی با "سرمایه" در درون حجله گاه حکومتی، هم "ایدئولوژی" پایه‌چلو نهاد وهم "سرمایه". اما هر دو

در بخش نخست این مقاله، بعد از طرح بحث، دستگاه ایدئولوژیک در رژیم جمهوری اسلامی، رابطه آن با دستگاه سرکوب و ابزارها و اهرمهای آن، بطور فشرده مورد بررسی قرار گرفت. در بخش دوم، بعد از تعریف مقوله "آگاهی اجتماعی" و تفکیک حوزه‌های مختلف آن، به اختصار در مورد "روحیه یا روان اجتماعی" در جمهوری اسلامی بحث کردیم. در این بخش بررسی خود را بر روی "آگاهی اجتماعی" در سطح شناخت سیستماتیزه و تئوریک در شکل ایدئولوژی و خصایص عمده ایدئولوژی جمهوری اسلامی، متمرکز می‌سازیم.

مفهوم ایدئولوژی

همچنانکه در بخش دوم این مقاله گفته شد، "آگاهی اجتماعی" به دو شکل ظاهر می‌یابد: یا به صورت آگاهی عمومی و متعارف است که در سطح شناخت نظام نیافته و تئوریزه شده قرار دارد و همانا باورها، اخلاقیات، ذوقیات و عرف و سخن عامه است (روحیه یا روان اجتماعی) و یا به صورت نظام یافته و مدون است که در مفهوم انحصار خود همانا "ایدئولوژی" است. ایدئولوژی، سیستمی از نظریات اجتماعی (سیاسی، اقتصادی، فلسفی، هنری، مذهبی و...) است که بر بنیاد مناسبات عینی جامعه، در درجه اول مناسبات تولیدی، منافع طبقه معینی را بیان می‌کند، مطابق آن بر روی اندیشه، احساس و رفتار انسانها تأثیر می‌گذارد و در موضع گیریه‌ها، هنجارها و ارزش‌های کز اریهائی مطابق با مضمون طبقاتی خود، تقاضا می‌یابد.

در هنگام بحث بر روی مفهوم "ایدئولوژی"، نباید از بیان این نکته ساده ولی بعضاً فراموش شده، فروگذار کرد که به عنوان مثال ایدئولوژی بورژوازی، درست است که در خدمت صندوق کارخانه، در خدمت بورس، در خدمت حفظ مناسبات بهره‌کشی سرمایه‌داری، و در خدمت تحمیل توده‌ها بر آ، چارواکه جلوه دادن این مناسبات است، اما در دفتر صاحبان کارخانه و اتاقهای بورس، شکل نمی‌گیرد و پیخته نمی‌شود.

یک روشنفکر خادم بورژوازی، یک ایدئولوژی بورژوازی، لازم نیست خود یک بورژوا باشد. اما او در حوزه اندیشه، همچنانکه مارکس تفهیم کرده است، به همان نتایجی می‌رسد که یک بورژوا در عمل روزمره استثمارگرانه خود پدیدان می‌رسد، آن را در خدمت خود می‌پیچد، در خدمت خود می‌نهد، تقویتش می‌کند و اشاعه اش می‌دهد.

در اینجا این که "ایدئولوژی"، به چه شکلهایی تبیین شده و سیستماتیزه می‌شود، خارج از موضوع بحث ماست. اما از یادآوری نکته بالا، می‌خواهیم به این تذکر مهم برسیم که مکانیسم تبیین و تنظیم ایدئولوژی، مکانیسمی پیچیده و درموردی که مثال زدیم، بسیار فراتر از کائال ساده‌ای، بین دفتر مدیر کارخانه و اتاق مطالعه یک ایدئولوژی بورژوازی است. همین پیچیدگی است که ایدئولوژی بورژوازی، را در عین تقید بورژوازی آن، به صورت متنوع و متلون درمی‌آورد، به گونه‌ای که بعضاً باز شناخت آن به سادگی میسر نمی‌گردد. همین پیچیدگی است که به طبقه‌ای که مضطرب و مرده است اجازه می‌دهد همچنان تأثیرات معین ایدئولوژیک خود را حفظ کند، حتی به یک جنبش فکری و سیاسی، به عنوان تقلای واپسین، دامن زند. باز به دلیل همین مکانیسم پیچیده است که در بین قشرهای مختلف

طبقات استثمارگر، تبادل ایدئولوژیک (به شکل تمهیل، اتفاق نظر، در نظر گرفتن مصالح سیاسی روز، قرض گرفتن، قرض دادن، چپ‌به‌بندی و اختلاف، استفاده به عنوان سریل و...) صورت می‌گیرد و بالاخره همین پیچیدگی است که به ایدئولوژی، می‌تواند بدان حد در قبال شرایط عینی استقلال نسبی دهد، که عزمگاه یک جنبش باشد و تقاضا در ادامه خود مضامین طبقاتی صریحی بپاید و با عمل در یک آرایش طبقاتی معین، کمابیش بر لایقه معینی استوار گردد.

حوزه‌های مختلف ایدئولوژی

ایدئولوژی، ناظر به حوزه‌های مختلفی است که اهم آنها عبارتند از: سیاست (ایدئولوژی سیاسی)، حقوق (ایدئولوژی قضایی)، فلسفه، علم، اخلاق، هنر و مذهب. بین این بخشها، رابطه "ماهنگی و تبعیت" وجود دارد و همین امر است که ایدئولوژی، را به صورت یک سیستم و یک کلیت درمی‌آورد.

"ایدئولوژی جمهوری اسلامی"

در کلیت آن

ایدئولوژی، دارای کاراکتر طبقاتی است. در معرفی یک ایدئولوژی، نخستین سخن، باید در مورد تعلق و خصلت طبقاتی آن باشد. به همین دلیل است که ایدئولوژی، اکثراً به صورت "مضاف" ظاهر شده و در فرهنگ سیاسی مارکسیسم-لنینیسم، این واژه اساساً به صورت مقید خود (ایدئولوژی بورژوازی، ایدئولوژی طبقه کارگر و...) استفاده می‌شود. مارکسیسم-لنینیسم در حالی که اصل را بر این می‌گذارد، اما از آنجایی که اندیشه‌ای جدا از ماتریالیسم مکانیکی و اکوئومیس است و دیالکتیک ایدئولوژی، طبقه و دیالکتیک روینالیزیرینا را به شکل جامع و همه جانبه‌ای بیان می‌کند، در برخورد با نمونه مشخص مورد بحث ما به ما این اجازه را می‌دهد که بدون تخطی از اصل فوق، نخستین سخنان در مورد ایدئولوژی جمهوری اسلامی این باشد که این ایدئولوژی مذهب است.

در گزارش هیات سیاسی به پلنوم مهر ماه ۱۳۶۳ کمیته مرکزی سازمان ما آمده است: "در شناخت و تجزیه و تحلیل ماهیت و ترکیب جمهوری اسلامی ایران، در سالهای پس از انقلاب تا امروز، در درجه اول باید گرایشات و سمت گیریه‌های روحانیت حاکم را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. رایج‌ترین و پر نمودترین خصیصه این نیرو، البته روحانی بودن، تکیه روی آئین‌های کهن اسلامی و مذهبی کردن ساخت دولتی و تمام حیات اجتماعی و تلاش برای تأمین مغایر روحانیت بطور کلی است." (کار - شماره ۱ - آذر ۱۳۶۳) تاکید مقدم بر روی خصلت مذهبی

زنده است. این رژیم با تضادهای پس شدیدی مواجه است و برای حفظ خود است که به ناچار بانک "آئین" درمی افکند. جامعه‌ای که جمهوری اسلامی بر آن حکم می‌راند علی‌رغم تمام عقب ماندگی‌های خود، جامعه‌ای است که دیر زمانی است از خواب قرون وسطایی برخاسته است. این جامعه، جامعه‌ایست سرمایه‌داری و وابسته بایک طبقه کارگر پر شمار. با ملت‌های مختلف و با فرهنگ و سنی متنوع. این جامعه، انقلاب عقلی را از سر گذارده است، جامعه‌ایست ملت‌پس که هزاران داغ برپیکر دارد، هزاران آرزو در سر و به لحاظ عینی، چشم انداز روشن ممکن در برابر جغرافیای سیاسی کشور، وابستگی، ساختار اقتصادی، نفوذ دیرین سال غرب در آن و طمع پایدار و سیر ناپذیر امپریالیسم به منابع عظیم طبیعی و انسانی آن، همه به تضادها، کوناگونی دامن می‌زنند که از درون و بیرون این جامعه را زیر فشار می‌گذارند. وانگهی، ما در دوران گذار جهانی به سوسیالیسم قرار داریم، نه عصر بردگی، نه عصر فئودالیسم. روزگار ما روزگار ترقی و تعالی بشریت در عرصه‌های کوناگون فرهنگ و هنر و علم و تکنولوژی است. ما در چنین دورانی به سربلیم و کشورمانیز مثل همه جوامع بشری، به دور از مقتضیات این عصر و روزگار نیست.

جمهوری اسلامی در چنین دورانی بر چنین جامعه‌ای فرمان می‌راند و برای فرمان راندن، ناگزیر از سرکوب است. در ایدئولوژی حکومت نیز بناگزیر وجه سرکوبی، و انحصار طلبی متورمی شود. در تخته باید به یکدیگر جور در بیایند.

سلطه جویی، جهالت پراکنی و عوام‌فریبی

ایدئولوژی جمهوری اسلامی در درجه نخست در اقتدار سنی و عقب مانده جامعه رسوخ می‌کند. اما این ایدئولوژی که سده‌ها، متعادی به طور انحصاری، فرمانروایی کرده و تمام عناصر و اجزا و ارکان جامعه را به شکلهای مختلف زیر سیطره خود داشته است، تمام جامعه را می‌خواهد. هژمونیک، خصلت و عادت این ایدئولوژی است و اقتضای طبیعت آن، تکیه بر سنت‌ها، متحجر و اشاعه جهل و خرافه است. جمهوری اسلامی برای فراگیر کردن ایدئولوژی، خود، تلاش می‌کند تا می‌تواند فرهنگ جامعه را انحطاط بخشد، بر عقب ماندگی‌های قرون وسطایی تکیه کند و مردم را به توده جامل و خرافه پرستی تبدیل سازد که مشتری کالای قلب و کپک زده آن باشد.

جمهوری اسلامی برای اشاعه ایدئولوژی خود، علاوه بر به عقب راندن جامعه، به عوام‌فریبی نیز نیاز شدیدی دارد. برای این ایدئولوژی، هر سلطه یافتن، جهالت پراکندن است، جهالت پراکنی خود روی دیگر سکه عوام‌فریبی است. ایدئولوژی جمهوری اسلامی برای عوام‌فریبی، به لحاظ تجربه تاریخی خود، دارای ظرفیت و قابلیت بسیار بالایی است و مانورهای شکست انگیز، می‌تواند بدهد. این ایدئولوژی قادر است خود را "سوسیالیستی" نیز جا بزند. مارکس و انگلس، در مانیفست سخن چاللی در مورد مسیحیت دارند. آنها گفته‌اند، "هیچ چیز آسانتر از آن نیست که به وهد مسیحی، آب و رنگ سوسیالیستی زده شود." (مانیفست، ترجمه جدید پورمحمدان به فارسی، ص ۸۴) این سخن در مورد بقیه در صفحه ۸

جنبشی نیستند، اتباع صرف کشوری هستند که حکومتگرانش اینانند.

این ایدئولوژی، ذاتاً سرکوبگر است

همه ایدئولوژی‌ها بی‌چیز ایدئولوژی، طبقه کارگر خصلت سرکوبگری را در ذات خود دارند، چه که همه ایدئولوژی‌ها بی‌چیز مارکسیسم-لنینیسم به لحاظ تاریخی ارتجاعی‌اند و چرا که تنها این طبقه کارگر است که با آزاد کردن خود، بشریت را آزاد می‌سازد. اما منظور ما از گفتن این که ایدئولوژی جمهوری اسلامی ذاتاً سرکوبگر است، کار نیست این حقیقت در یک "این همانی" ساده نیست. در بخش نخست این مقاله، به این موضوع اشاره شد که در دولتهای کلاسیک بورژوازی، دستگاه ایدئولوژیک مگر در شرایط ویژه و دست کم در دورانیهای آرامش، متغایر از دستگاه سرکوب است، ظاهراً بی‌طرف است و سیما، "مهربان" و "معقولی" دارد. اما در دولتی همچون جمهوری اسلامی، دستگاه ایدئولوژیک و سرکوب، آشکارا دست در دست یکدیگر دارند. علت این امر را باید در درجه نخست در ذات این ایدئولوژی، و در درجه دوم در وضعیت کنونی آن که ایدئولوژی دولتی حکومت مشخصی به نام "جمهوری اسلامی ایران" است، جستجو کرد. در واقع برای ریشه‌یابی این امر باید دو وجه عام و خاص این ایدئولوژی را مورد نقد و بررسی قرار داد.

وجه عام این ایدئولوژی، مذهب در کلیت و عمومیت آن است. مذهب نمی‌تواند گذشته خویش را نادیده بگیرد. مذهب در قرون متعادی ایدئولوژی، مسلط بود، متناسب با این جایگاه سازمان حامل، حافظ، پیش برنده و اشاعه دهنده خود را که همان روحانیت است، ایجاد نمود و طبیعتاً عناصر آن را با فرهنگ و روحیه‌ای، منطبق بر مقام و کارکرد خویش - سلطه انحصاری ایدئولوژیک- پی‌وروش داد. این پاور در آنها در طی یک دوره بسیار طولانی تبدیل به علت وجود، گشت که "اولی الامر" اند، "خلیفه الله" اند و برای "گله‌های انسانی" حکم چوپان را دارند. روحانیت در کلیت خود هیچ گاه نیز پذیرفته است که دیگر دوران آن سلطه انحصاری، به پایان رسیده و جامعه بشری دیر زمانی است که به مرحله نوینی پا نهاده است.

وجه خاص این ایدئولوژی، تبدیل شدن به ایدئولوژی دولتی در رژیم جمهوری اسلامی است. دست یافتن به این مقام یعنی دست یافتن به یک فرصت طلایی که تصورش برای خود بنیانگذار این رژیم هم مشکل بوده است. آیا می‌توان به آزاد، قنند "برانتیز میدان داد تا ایدئولوژی‌ها، دین، و خاصه ایدئولوژی دوران مارکسیسم-لنینیسم، نیرو، مادی خود را رشد دهند، قاعده را در برابر استغنا بگذارند و این فرصت را برگیرند؟ آیا در اندیشان هم باید امکان سخن گفتن داشته باشند؟ آیا در اندیشان هم باید بتوانند تبلیغ و ترویج و سازماندهی کنند؟ آیا در اندیشان هم مجازند به نقد رژیم و ایدئولوژی حاکم بپردازند و پرده‌های تیرتک را پاش مغفی می‌دهد. همچنین است که شمشیر از روپسته شده و تخم سرکوب افشاند می‌شود. شدت سرکوب را حدت تضادها مشخص می‌کند. جمهوری اسلامی بر روی یک آتش فشان خیمه و خرگاه

با اکراه و از روی مصلحت. این وصلت، یک فحش، به تمام معنا رذیله بود، جلوه دیگری از رذالت موجود هرزه‌ای به نام "سرمایه" بود که بایک عجز و نیز می‌تواند پناهی مغازه بگذارد.

ایدئولوژی جمهوری اسلامی، یک ایدئولوژی یکدست نیست، به این دلیل ساده که رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم یکدست نیست. در زیر پوشش ایدئولوژی مذهبی جمهوری اسلامی، لطیفی از نظریات وجود دارد: از یک عدالتخواهی و مساوات طلبی به خود سترون گرفته تا راست‌ترین و منطقی‌ترین و ارتجاعی‌ترین دیدگاهها، از توهیات ساده لوحانه خرده بورژوازی سنتی خانه خراب گرفته تا نقطه نظرهای بغایت ارتجاعی بورژوازی، تجاری، کارفرمایی و ملاک. جوهر آنچه که در عمل به کار برده می‌شود در بالا تشریح شد، اما بیان "ماهیت" که در طی یک روند نمود می‌یابد، به تنهایی برای تشریح همه اجزای واقعیت کفایت نمی‌کند. روند باید به تمامی تشریح شود و در مورد مشخص بحث ما، ایدئولوژی باید در دل یک روند که همانا حرکت "جنبش اسلامی" است، خاصه از آن هنگام به بعد که به نیروی مادی بدل شد، بر سکوی قیام نشست و به جایگاه قدرت پرتاب شد، مورد توجه و دقت قرار گیرد.

در اینجا برای کالبد شکافی ایدئولوژی حکومتی- که بالطبع بی‌نیاز از دیریغه شناسی آن نیست- نباید به بیان ساده این نکته که چه اقشاری در حاکمیت سهم دارند، بسنده کرد. این اقشار و به بیان سیاسی جناحهای حکومتی، بطور ساده در کنار هم قرار نگرفته‌اند و نتیجتاً ایدئولوژی حکومتی، جمع ساده دیدگاههای آنها با در نظر گرفتن مضاربی متناسب با سهم هر جناح در قدرت، نیست. آنها بر روی هم تاثیر می‌گذارند، متحول می‌شوند، همدیگر را متحول می‌کنند، متناسب با اوضاع روز جنبه‌های معینی از خود را به نمایش می‌گذارند، بر مبنای الزامات حکومت بر یک جامعه سرمایه‌داری وابسته بهران زده، در چارچوبهای معینی دگردیسه می‌شوند و علی-رغم تمام ستیزهای درونی خود برای به دست آوردن نقش فائده، به این نکته واقفند که در چرخاندن ماشین دولتی حکومتی بی آینده سهمینند، شریک جرم یکدیگر محسوب می‌شوند و عاقبت کمابیش یکسانی دارند.

این ایدئولوژی در آستانه قدرت و تمامدتی پس از تبدیل شدن به ایدئولوژی حکومتی-توده‌های وسیعی را به عنوان نیروی مادی در زیر پا داشت، به آنها فرمان می‌داد، بر آنها بالغصب فرمان می‌راند و حرکتشان را تا جایی که میسر بود در مسیرهای دلخواه خود سوق می‌داد. در این دوره ایدئولوژی، عمدتاً جنبه‌های نامخوان خود با ایدئولوژی بورژوازی، را از زوایای مشخصی به رخ می‌کشید. دیدگاههای بغایت راست و ارتجاعی کمتر بر روی صفحه سیاسی خود را به نمایش می‌گذاشتند.

اما این ایدئولوژی اکنون، در اساسی‌ترین مسائل، به نقاط اشتراک و انطباق پذیر خود با نظم سرمایه‌داری، تکیه می‌کند و الزامات حکومتگری در مسائل بنیادی به آن میدان محدودی برای عوام‌فریبی مگر در شعار دادند، کاه و بیگاه و از روی غرض، می‌دهد. اصل حکومت کردن است، مردم دیگر نیرو،

ایران از جارجانیان از اعدام زندانیان سیاسی ایران

بقیه از صفحه ۱

فیلیپین

شش سازمان، اتحادیه و شورا از نیروهای مترقی فیلیپین در نامه‌های جداگانه‌ای خطاب به سفارت جمهوری اسلامی حمایت خود را از زندانیان سیاسی ایران اعلام نموده خواهان لغو احکام اعدام و قطع شکنجه در زندانهای ایران شدند.

* "شورای صلح و همبستگی فیلیپین" در نامه خود تکرانی عمیق خویش را نسبت به سرکشت زندانیان سیاسی ایران ابراز داشته و شکنجه‌های قرون وسطایی و قتل‌رهمبران سازمان و سیر نیروهای انقلابی میهن ما را چنانچه فراموش نشدنی ارزیابی کرده است.

این شورا نوشته است: "... نیروهای صلح دوست فیلیپین تقاضا می‌کنند که زندانیان سیاسی فوراً آزاد شوند... تفتیش‌های قرون وسطایی علیه نیروهای مترقی پایان یابد! "

* "اتحادیه کارگران چاپخانه‌ها فیلیپین" عضو اتحادیه

کارگران فیلیپین وابسته به فدراسیون جهانی سندیکاها، علیه موج دستگیرهای دسته جمعی، شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی در ایران اعتراض کرده و فجایی را که در زندانهای ایران اعمال می‌کردند غیر قابل‌حمل دانسته است.

این اتحادیه خواهان توقف بیدرتک اعمال تبهکارانه رژیم جمهوری اسلامی شده است.

* درنامه "شورای دمکراتیک جوانان فیلیپین" چنین آمده است: "شورای دمکراتیک جوانان فیلیپین قویا با موج جدید شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی در ایران مخالفت می‌کند. چنین سرکوبی که توسط رژیم ایران اعمال می‌گردد، برای جهان متمدن غیر قابل‌قبول است... به شکنجه‌ها پایان دهید! اعدام‌ها را متوقف کنید! "

* جنبش برای پیشرفت دانش-دانشجویان ملی‌گرا، "انجمن ترقی جوانان فیلیپینی" و "اتحادیه کارگری کاتیبونال" نیز در نامه‌های خود خواست‌ها و اعتراض‌هایی مشابه آن‌ها در فوق آمد، عنوان کرده‌اند.

جشن مطبوعاتی "اونیتا": جلوه‌ای از همبستگی

بود.

هزاران بازدیدکننده در راستای همبستگی با مردم ایران و آشنایی با رنج و رزم هم‌میهنان ما از غرفه سیاسی ایران دیدار کردند. امضا برای آزادی زندانیان سیاسی ایران، کمک مالی، بازدید از نمایشگاه عکس، بحث و تبادل نظر پیرامون جریان‌ات ایران، ابراز علاقه نسبت به پیشرفت مناسبات بین نیروهای انقلابی ایران جهت تشکیل جبهه متحد خلق، همه و همه نمایانگر همبستگی با مردم ما و اعتقاد به پیروزی جنبش انقلابی مردم ایران بود.

در پنج روز پایانی جشن، مراسمی مبنی بر ضرورت برقراری صلح از سوی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) - ایتالیا حزب توده ایران - ایتالیا و حزب کمونیست عراق در ایتالیا برگزار گردید و بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی برای محکوم کردن جنگ ایران و عراق در این مراسم شرکت جستند که در میان آنها رفیق آرماتو و کوسوتا عضو دبیرخانه حزب کمونیست ایتالیا نیز حضور داشت.

جشن‌های "اونیتا" از بعد از پیروزی بر فاشیسم به عنوان یکی از سنت‌های شناخته شده از سوی زحمتکشان ایتالیا در آمده‌اند.

امسال جشن ناسیونال "اونیتا" که در "فرارا" برپا گردید، بخاطر چهلمین سال پیروزی بر فاشیسم رنگ دیگری داشت. مساحتی بیش از دو هزار متر مربع به کشورهای شوروی، آلمان دمکراتیک، مجارستان، بلغارستان، اتیوپی، یونان، الجزایر و... اختصاص یافته بود.

۲/۵ میلیون نفر بازدیدکننده در عرض ۱۸ روز برپایی جشن بیشترین امکان را داشتند تا با رهبران حزب کمونیست ایتالیا و سایر کشورها و نیز برخی از دولتمردان ایتالیا در جلسات مباحثه شرکت جویند و از روند رویدادهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور و جهان آگاه شوند.

در این جشن دو غرفه به ایران تعلق داشت که توسط فدائیان و توده‌ایها برپا شده بود. یک غرفه، غرفه صنایع دستی و دیگری غرفه سیاسی

را نگاه می‌کردند و با گوشه و کنایه آن‌ها را به رهبران رژیم تشبیه می‌کردند. مثلاً برای درد داخل سینما بیشتر بالا گرفت.

در مقابل گیشه قیمت درسی بلیط ۹ تومان و قیمت بازار سیاه آن ۴۰ تومان بود!

بهر تقدیر وارد سالن انتظار سینما شدیم. خیلی شلوغ بود. وجود جوانها باخنده‌ها و متن‌ها و واداهای معنی‌دارشان فضا را رتین کرده بود. بعد از مدتی رقتیم داخل سینما. موضوع فیلم مبارزه موشها بود با یک کربه‌پلید که بالاخره اتحاد و هوشیاری موشها او را شکست می‌دهد. عاقبت خوش فیلم و صحنه‌های کمیک و مهیج آن - که قبلاً از طریق تلویزیون هم در ذهن مردم جا افتاده بود - مردم را به نشاء آورد. مردم همراه آهنگ فیلم دست می‌زدند و حتی چند جوان می‌رقصیدند! به جای خود خیلی متلک پرانده میشد که به شادی مردم می‌افزود.

با پایان فیلم دوباره چهره‌ها درهم رفت. مادری که کنار من بود به دخترش گفت: "از حالا به بعد باید رویت را منمک ببندی!" شادی لحظه‌ای پیش خیلی گذرا بود. دم در پاسدارها ایستاده بودند و مردم را زیر نظر داشتند. "

به چشم می‌خورد. پاسدارها کوچکترین حرکت مردم را زیر نظر داشتند. آنها به دلایل گوناگون از جمله کوتاه بودن استینا بنور مردها، و کامل نبودن -جای زنها، آنان را از داخل صف بیرون می‌کشیدند. همه با نفرت و انزجار به آنها نگاه می‌کردند و در مقابل اقدامات آنها عکس‌العملهایی که حاکی از نفرتشان بودندشان می‌دادند.



با بعضی از افرادی که در کنار من داخل صف بودند، صحبت کردم. مردی سی‌ساله که با همسر و بچه شیر خواره‌اش بر ای دیدن فیلم آمده بود، گفت: "الان دوران بی تفریحی و عزاداری مردم است. دیدن اینجور فیلمها تنها سرگرمی ما شده است." مردی چهل‌ساله گفت: "صف نماز جمعه از صف این سینما کمتر است." همسرش به او چشم غره رفت ولی او گفت: "ا! بد از حرفم بزنم!" مردم عکسهای فیلم

از میان نامه‌ها

شهر موشها

"... جمهوری اسلامی همه جارا عزادار ساخته‌است. قیافه همه مردم گرفته است. از همه سو به آنها فشار می‌آید؛ بیکاری، گزانی، اختناق، جنگ، سرکوب و... مردم برای تمديد اعصاب خود امکانات تفریحی خیلی محدود دارند. یکی از این امکانات سینماست. بعضی فیلمها، به‌خاطر موضوعشان و یا این که می‌توانند تمی باشند برای مسخره کردن علنی رژیم، خیلی مورد استقبال مردم قرار می‌گیرند. فیلم مدرسه موشها از جمله آنها بود.

عصر روز جمعه ۶۴/۶/۸ من به تماشاى این فیلم رفتم. حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ نفر در صف سینما بودند. دوبرابر این تعداد خارج از صف ایستاده بودند درحالی که گنجایش سالن -حد اکثر ۸۰۰ نفر است- طول صف تهیه بلیط به ۱۰ تا ۱۲ متر می‌رسید. در میان آنها افراد مختلفی به چشم می‌خورد: مردوزن، پیر و جوان و بچه. فیلم مخصوص بچه‌هاست ولی تعداد بزرگسالها خیلی بیشتر از بچه‌ها بود.

در مقابل صف یک ماشین پاسدار

جمهوری اسلامی وعرصه...

بقیه از صفحه ۷

ایدئولوژی جمهوری اسلامی، کاملاً قابل تعمیم است.

بحران زندگی

ایدئولوژی جمهوری اسلامی

ایدئولوژی جمهوری اسلامی هم در وجه عام و هم در وجه خاص خود بحران زده است. در وجه خاص این ایدئولوژی، یعنی مذهب به عنوان ایدئولوژی حکومتی، عوامل بحران را بر دو دسته‌اند: یک دسته از این عوامل به یکدست نبودن حکومت برمی‌گردد که لاجرم تعابیر و تفاسیر مختلفی از مذهب را به دنبال می‌آورد و دسته دیگر ناشی از ناهمخوان بودن ایدئولوژی با الزامات عصر حاضر و الزامات حکومت بر یک جامعه سرمایه داری است. این امر باعث می‌شود که دگمهای ایدئولوژیک، به شدت از درون و بیرون زیر فشار باشند. زیرا این فشارها، "حکومت اسلامی" به دوباره "حکومت" و "اسلام" تقسیم می‌شود و هر پاره دیگری را تحت فشار گذاشته و محدود می‌کند. این امر نمی‌تواند برای وجه "اسلام" به شدت بحران را نباشد.

(ادامه دارد)

نگار

وقتی ملا شاعر می شود

از لطایف روزگار یکی هم اینکه حجت الاسلام شاعر شود یا فکر کند که شاعر شده است. آنوقت کمیدی فرح بخشی بوجود می آید که پیرا ختن به آن سبب کشایش خاطر شده و بقول معروف زنگار از دل برمی گیرد. در دنیاایی که آخوند فرمانده کل قوا می شود، هنرپیشه تئاتر و سینما می شود، دبیر شاعر شدن کمترین معیبه نباشد که از او می توان انتظار داشت. از این قماش یکی هم حجت الاسلام والمسلمین محمد حسین بهجتی (شفق) است که روزنامه جمهوری اسلامی در صفحات صحیفه شماره ۲۹ و تحت عنوان "شاعر اولین شعر انقلاب" بای صحبت (منبر) او نشسته است. این صحبت الاسلام از این مصاحبه چنان شوق زده شده که قسمت اول صحبتش ۱۸ ستون کامل روزنامه را آکنده است. در اینجا برای خوانندگان که ممکن است فرصت مطالعه روضه ۱۸ ستونی را نداشته باشند ذکر "فرازهایی از این منبر شاید خالی از لطف نباشد. محمد حسین د. چگونگی شاعر شدنش می نویسد: "شروع طلیعی ما سنه ۱۳۲۶ برده، سنه ۱۳۳۱ هم آمدم قم "بعد چه؟" علمایی درین مدتی که تازه آمده بودم قم فوت کرده بودند" (شاید هم از مبارکی قدم محمد حسین فوت کرده اند!) محمد حسین برای مردگان مذکور از جمله برای یکی از آنها که دعای باران خوانده بود و باران آمده بود "اشعاری؟! سرود و بعد: "اردکان سه عالم بزرگ داشت که یکی اش مدرس خودمان بود و ما گفتیم یک شعری هم برای اینها بنویسیم". محمد حسین "یک شعری هم برای اینها" می گوید که بیتی از آن چنین است:

"پدر و مادر، آدم و حواء، می نویسند دو - دوخ را حلقا - حاجی و خاتمی و عبدالرسول، تو بهیشتا - کفاه ایشان را!!"

محمد حسین می گوید: "بدون اینکه بفهمم شعر چیست (این ما را سرودم) و این نشانه ای بود از اینکه ذوقی در ما هست."

امیدواریم تا اینجا خوانندگان از طریق این "نشانه" به "ذوق" محمد حسین منطقی برده باشند. البته این "ذوق" حالا -حالا نشانه و ادامه دارد، ممکن است آنقدر کش بیاید که کار دست ماهد و صفحه بند را مجبور به قیچی کردن مطالب کند! "ذوق" را دنبال کنیم: "وقتی آیت الله... فوت کردند، طلبه ها می خواستند یک شعری دم بگیرند و در ماشین معطل بودند (چه معطلی چنانکه اژی!) ما یک شعری درست کردیم و فوراً گفتیم:

پدرما ز جهان رفت و بگفتیم بشیم آه و افسوس که جان دورش از پیرما هم چنین در فوت آیت الله صحبت یک مخمس بر سوز و گداز، گفتیم که وقتی شعر خوانده شد، طلب شیرازی از خواندن شعر خودشان خودداری کردند، فکر کردند که شعرشان تحت الشعاع قرار می گیرد. گر چه در اینجا می توان به عنوان استراحت کمی با مجسم کردن "طلب شیرازی در آن لحظات، خندید اما بهتر است ما به "ذوق" محمد حسین بپردازیم که بالای جان خلق الله شده و همانطور که شمس تبریزی و مولوی را سرگردان یکدیگر کرد، رئیس فرهنگ قم را در پی محمد حسین دربدر

می کند. "رئیس فرهنگ قم دربدر دنبال ما گشت تا اینکه ما را پیدا کرد. بیکروز ما را به نهار دعوت کرد و تشویق کرد. آیت الله... هم که از دنیا رفت شعری گفتیم. در فوت آیت الله... هم قطعات زیادی گفته شد که بعضیها بیشتر رایج شد. از آن پس هرگاه فرصتی میشد (آیت الله می مرد) شعر می سرودم تا اینکه یک شعری از یک ناشناس در مذمت حوزه علمیه پخش شد. مدتی بود که تاها را توسط فردی که قبلاً در حوزه بوده و سپس از لنینی خارج شده گفته شده بود (بر زیاد هم طرف ناشناس نبوده است!). آنوقت گفته بود که دنیا اتم و فلان ساخته و... این حرفها، ما هم یک مخمس در جواب او گفتیم که از شهرت بیشتری برخوردار شد.

بنکر ز اتم میچ جز آزار نیاید
چیز کشتن از این آلت خونبار نیاید
ای جاهل بی عقل تر اعار نیاید
کز آلت قتاله کنی فتر چه بسیار!

بله - محمد حسین، که در کشتی شاعرانه، "طلب شیرازی" و "مذمت گوی حوزه" را ضربه فنی کرده است و خود را از پیروان "سافا و سعدی و امام خمینی" می داند، می نویسد: "گر چه از مسایل دقیق و فنی شعر خبر نداشتیم ولی روی ذوق خبیعی خودمان می گفتیم... آنوقت هنوز شفیق تخلص نمی کردم، بعداً شفیق شدم!" بله، محمد حسین اینطور می گوید: "شفا آفرین به این شفی، البته خیال نکنید محمد حسین اینهمه ذوق و فن و تخلص را از مدح استاد ای کتب کرده است، خیر! زیر نظر هیچ استادی عروض، نخوانده ام البته اشعارم در اثر مکالمه کم کم تکمیل شده و به مر احلی رسیده است." گر چه ایشان شخص نکرده اند که این "مکالمه" تلفنی بوده یا حضوری، اما نتیجه عائی بوده و شعرها و حتی خود او را به "مر احلی" رسانده که هم اینک از مقامات سپاه پاسداران است.

مطالعه پیرونده، "محمد حسین هم به خوبی نشان می دهد که آدم "مبارزی بوده"، مدتی هم ما را در ساواک قم شکنج داشتند و بعد آیت الله حائری، استناره کرده بودند که تلفن کنند و خوب آمده بود، تلفن کردند و آنها هم ما را آزاد کردند. "حالا اندک اندک نوع "مکالمه" دارد روشن می شود!

محمد حسین در باره شعر بویژه شعر نوح دارایی، تلویزیانی ست که پس از سالها سرگردانی اهل هنر در مورد تعریف شعر نو، بالاخره قال قضیه را با یک تعریف آخوندی، جامع و مانع کنده است: "یک افکار آشفته ای در ذهن شاعر است... این افکار دامنه دار میهم و گشتی که به هیچ زبانی در نمی آید به زبان شعر نور می آید و برای بازگو کردن تنیذات آشفته اینجوری شعر نو خوب است به خصوص اینکه اگر این نکاتی که بنده عرض می کنم رعایت بشود، نکات محمد حسین هم اینهاست "ابهام لذیذ!" و "سبک ملیح!" بنابراین اکثر "افکار آشفته" و "افکار دامنه دار میهم و گشت" و "تنیذات آشفته" با "ابهام لذیذ" و "چرب و سبک ملیح" و می خوش در هم آمیزد غذائی بوجود می آید که محمد حسین در باره آن می گوید: "شعر نو را درین مایه می پسندم!" نمونه هم بدست می دهد: "فرض کنیم اگر پخواهیم شعر مثنوی را به سبک شعر نو در بیاوریم به صورت این مصرع های کوتاه در می آید

دید موسی یک شیان
دید موسی یک شیان را به راه
دید موسی یک شیان را به راه و گفت او
دید موسی یک شیان را به راه و گفت او ای وای، من

بله آن "ذوق خبیعی" با رعایت این "نکات" کار را به اینجا می کشاند. البته "مصاحبه" محمد حسین ادامه دارد اما "مکالمه" تا همین حد کافی است.

تشکیلات دادستانی انقلاب تهران تغییر کرد

بقیه از صفحه ۴

موسوی خوینی ها، دادستان کل، طی سخنانی به تغییرات اخیر این دادستانی اشاره کرد. وی اعلام داشت که "دادسرای انقلاب" به سه بخش مجزا از هم تقسیم شده که اهداف و دایره عملکرد هر یک از این بخشها مشخص می باشد. وی اظهار داشت که دادسرای انقلاب به سه بخش زیر تقسیم شده اند: بخش سیاسی و سرکوب گروههای سیاسی، بخش تخلفات اقتصادی، بخش مواد مخدر.

وی افزود که: "در بخش اقتصادی، دادسرای

امور صنعتی و دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی و آن قسمت از دادسرا که در چهار راه قدوسی می باشد، در یکدیگر ادغام شده و به صورت یک دادسرا درآمده است.

در زمینه تفکیک وظائف، همین چندی پیش حجت الاسلام سالک سرپرست کمیته ها، نیز طی مصاحبه ای مطبوعاتی، رسماً اعلام کرده بود که وظایف کمیته ها و شهرداری تفکیک شده و وظیفه بی گرد و سرکوب نیروهای سیاسی برعهده کمیته ها خواهد بود.

تحصن مردم "شال" قزوین

اخیراً گروهی از مردم شال، قسمت آباد ورستم

آباد قزوین در مقابل درب غربی نخست وزیر، متعصن شده و خواهان برکناری مسئول کل کمیته های انقلاب اسلامی قزوین و تحقق دیگر خواست های خود شدند. در جمع متعصنین که به مدت هفت روز به تعصن خود ادامه دادند اعضای خانواده شهدا نیز حضور داشتند.

در جریان این تحصن، از طرف امام جمعه تاکستان اعلامیه ای، مبنی بر "غیر شرعی" و "حرام" بودن تحصن و اعتصاب صادر شد. در اعلامیه صادره از طرف امام جمعه از جمعیت متعصن در مقابل درب نخست وزیر در خواست شده بود که از "تجمع در مقابل نخست وزیر و غیره دست برداشته و هر چه سریعتر به محل خود مراجعت کنند."

سودان: آغاز مرحله‌ای دشوار

بقیه از صفحه ۱

حقوقی و غیر آن، آغاز کردید و سازمان امنیت، شش آهنگین و مهمترین ابزار سرکوب حکومت برپایه شد. برخی سران سازمان امنیت و دیگر متنفذین رژیم نمیری دستگیر شدند. توده‌ها بار دیگر امکان یافتند تا از حقوق سیاسی خود، اعم از آزادی بیان و تجمع، حق تشکیل اتحادیه‌ها و سایر سازمانها و نیز احزاب سیاسی، بهره‌جویند. در عرصه سیاست خارجی نیز دگرگونی‌هایی، هر چند جزئی، انجام گرفت.

مبارزه شدید، نا درستی کامل ثمرات محافل خرده بورژوازی را نشان داد. این محافل نسبت به اثر پاشی اتکا به اقدامات توده‌ای، ابراز تردید کرده و می‌کوشیدند رشد جنبش توده‌ای را تا به حد امکان و تصورات ذهنی خود سازند، امری که در نهایت به رواج نومید و واداشتن توده‌ها به انتقال کشیدن غیر فعال منبر می‌شد. پیروزی، شرایط عینی مناسبی برای جابجایی نیروهای اجتماعی گسترده‌تری، به سوی چشم انداز انقلاب منی - متراتیک و حمایت از برنامه آن، فراهم آورد. جنبش توده‌ای، اهداف مترقی نوینی در برابر خود قرار داد. اینک یک قدم هم نباید عقب نشست.

روند قیام

در این میان نمی‌توان ادعا کرد اهداف قیام به تمامی تحقق یافته‌اند. بسیاری نهادها و موسسات رژیم نمیری، فقط شده‌اند، دستگاه دولتی تصفیه و باز سازی نشده است. قوانین سرکوبگرانه‌ای که در زمان نمیری برقرار شد، لغو نگردیده و قراردادهایی که مغایر استقلال و حاکمیت ملی ماست، به قوت خود باقی است. بسیاری از مسائل مهم دیگر نیز هنوز حل نشده‌اند.

ریشه این امر را باید در ضعف‌های جنبش توده‌ای جستجو کرد. در این رابطه، باید قبل از هر چیز از عدم یکپارچگی در صفوف اپوزیسیون نام برد که موفق نشد پیش از اقدام توده‌ها مشی خود را هماهنگ ساخته و روی یک کارپایه مشترک توافق کند. احزاب دست راستی (حزب امت، اتحاد سوسیالیست سودان و دیگران) علی‌رغم آنکه ما پیگیرانه پدنیال تشکیل جبهه وسیع اپوزیسیون و سرنگونی رژیم از طریق اقدامات توده‌ای بودیم، تن به امضای سند

رسالت رهبری واقعی و فعال اپوزیسیون را برعهده دارند، چرا که از نظر آنها، احزاب سنتی، از جمله حزب کمونیست، از روند جنبش توده‌ای عقب مانده‌اند.

در چنین شرایطی ارتش وارد صحنه شد. فرماندهی نیروهای مسلح، قدرت را در کشور به دست گرفت. یک شورای موقت نظامی تشکیل شد. ترکیب این شورا نامشروع است و در آن عناصری با گرایشها و عقاید سیاسی گوناگون (عدداً محافظه کار راست) عضویت دارند. اما ما آن را بطور کلی ثمره مبارزه و فعل و انفعال عوامل گوناگون در داخل و خارج ارتش می‌دانیم.

ساده‌ترین کار این می‌بود که از مبارزه کناره می‌گرفتیم، منزله سلبی پیشه می‌کردیم و اعلام می‌نمودیم فرماندهی ارتش دست به "شورش درباری" زده و با موافقت ایالات متحده، عربستان سعودی و مصر رژیم نمیری را قربانی کرده‌اند تا از روی کار آمدن نیروهای رادیکال مردمی جلوگیری کنند. این امر بدان معنی خواهد بود که قیام را شکست خورده قنماد کنیم. آنگاه می‌توان اظهار عصبانیت و نارضایتی کرد و به ایفای نقش ناظر غیر فعال رویدادها اکتفا نمود.

اما چنین رفتاری، بسیار سطحی است و واقعیات اوضاع را در نظر نمی‌گیرد. رویدادهای ششم آوریل که به تشکیل یک دولت نظامی انجامید، یک اقدام از پیش برنامه ریزی شده و حساب شده نبود و نمی‌توان آن را با سرنگونی ژنرال عبود در سال ۱۹۵۸ و یا کودتای ماه مه ۱۹۶۹ یکی گرفت. در آن زمان، مردم آماده قیام برای سرنگونی رژیم نبودند و نظامیان بنابه ابتکار خود عمل کردند. این بار، توده‌ها قیام کردند و فرماندهی کل نیروهای مسلح می‌خواست نه سود نمیری و نه علیه او وارد عمل بشود. این رده‌های پایین ارتش، یعنی سربازان، درجه داران و افسران جز بود که فرماندهی را وادار به اقدام کردند.

این رده‌های پایین، در اقدام توده‌ها نقش مهم، اگر چه غیر تعیین کننده‌ای، ایفا کردند. آنها همانند سایر توده‌های مردم شورش نکردند، اما واحدهای نظامی مأمور حفاظت از نظام استراتژیک مهم را وادار نمودند به پادگانها برگردند، در برابر برقراری وضع فوق العاده که در آن ارتش می‌بایست وظایف پلیس را برعهده می‌گرفت مقاومت نمودند، و قانعانه اقدامات خشونت آمیز

سازمان امنیت علیه تظاهر کنندگان را مخنوم کردند. و بالاخره خواست اساسی هرکناری نمیری مطرح گشت. فرماندهی نیروهای مسلح خود را در برابر این انتخاب دید که یا قدرت را به دست گیرد و یا همراه با دیکتاتور صحنه را ترک گوید.

اینکه رده‌ها، پایین ارتش به فعالیت‌های نامبرده اکتفا کردند، دلایل مختلفی داشت. اولاً نامحافظتی در صفوف اپوزیسیون و نبود یک پلاتفرم مشترک تاثیر خود را بر روی نظامیان هم گذاشت. ثانیاً پیگرد مستمر و فعالیت مأمورین بی‌شمار سازمان امنیت و اداره اطلاعات ارتش، نیروهای متشکل و از لحاظ سیاسی فعال درون ارتش را تضعیف کرده بود. ثالثاً نظامیان دمکرات و میهن پرست عدداً دچار این تصویر یکجانبه بودند که تنها و تنها وظیفه دارند کودتایی تدارک دیده و انجام دهند. آنها به موفقیت یک قیام توده‌ای باور نداشتند، و از لحاظ روانی آماده جستجوی وسایل و راههای برای پشتیبانی از آن نبودند. مسئله کاملاً بگونه‌ای دیگر مطرح می‌شد؛ نظامیان آماده‌اند قدرت را در دست گیرند، به شری که توده‌ها از آنها حمایت کنند. یاب به عبارت دیگر، اول سرنگونی، بعد اقدام توده‌ها. طرز تفکر کودتایی باعث شد یک موقعیت مغنم از دست برود. همتامیکه در خارطوم صدها هزار نفر به خیابانها آمدند، نظامیان می‌بایستی به آنها ملحق می‌شدند، دست به دست توده‌ها می‌دادند و از این طریق تضمین می‌کردند که قدرت بطور بلافصل در دست نمایندگان جنبش توده‌ای قرار گیرد.

اگر به نقاط ضعف و وجه منفی می‌پردازیم از این زاویه است که اینها چه تاثیری بر روند آینده مبارزه خواهد داشت و کمونیستها بطور مشخص علیه آن چه می‌توانند انجام دهند. تحلیل اشتباهات نباید به غیظه خوردن بی‌ثمر و توضیح واقعیات بطور منفعل، آنگونه که مختص طرز تفکر خرده بورژوازی است، منجر شود.

علی‌رغم همه نقایض ضعف آن، قیام ماه مارس گام بسیار مهمی در روند انقلابی سودان است. این قیام از حیث وسعت و نیرومندی از انقلاب اکتبر ۱۹۶۴ نیز فراتر رفت. کم بها دادن به اهمیت قیام مارس به معنای به خطر افکندن دستاوردها و وابسته کردن جنبش به حکام نظامی و آندسته از نیروهای داخلی و خارجی که با آزادی، دمکراسی و حاکمیت منی مخالفت می‌ورزند، خواهد بود. (ادامه دارد)

طرح برنامه نوین حزب

کمونیست اتحاد شوروی تصویب شد

سه شنبه هفته گذشته، کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی تشکیل جلسه داد. به گزارش خبرگزاری تاس، در این نشست، طرح برنامه نوین حزب کمونیست اتحاد شوروی، تغییراتی در اسامی حزب و سندی پیرامون جهات اصلی رشد اقتصادی و اجتماعی اتحاد شوروی برای سالهای ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۰ و نیز برای دوره تا سال ۲۰۰۰، مورد بحث قرار گرفت. در این باره، میخائیل گارباجف دبیر کل حزب سخنانی ایراد نمود. کمیته مرکزی طرحهای مزبور را تصویب کرد.

میخائیل گارباجف طی سخنان خود اظهار داشت در طرح برنامه نوین حزب، گرایشهای اصلی روند اوضاع جهان مد نظر قرار گرفته است. از آن جمله اند ادامه تقویت مواضع سوسیالیسم واقعا موجود و افزایش اعتبار و نفوذ آن، تحکیم مواضع متحد کشورهای سوسیالیستی، جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری، دهها کشور نو استقلال و جنبشهای وسیع علیه جنگ و برای دموکراسی. گارباجف افزود همکاری این نیروها، تعیین کننده سمت عمومی تحولات دوران ماست.

رهبر حزب کمونیست شوروی گفت: " همه می بینیم که در سیاست بزرگترین قدرتهای سرمایه داری، گرایش بسیار خطرناکی بروز کرده است. گذشت زمان و فعالیت های عملی امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم آمریکا، ماهیت این سیاست را هر چه آشکارتر می سازد. انتقام جویی تلقیاتی از طریق نیل به برتری نظامی بر سوسیالیسم، به انضمام جنبشهای رهایی بخش، و پاپر چائیکه داشتن تنش ها، بین المللی در سطحی که تولید سلاهای جدید و جدید تر نابودی جمعی و نظامی کردن کیهان را توجیه کند. لجام زدن به نیروهای میلیتاریسم و جنگ و تضمین صلحی پایدار و امنیت قابل اعتماد، مسئله اصلی معاصر است."

میخائیل گارباجف تاکید کرد: " ما به روشنی از اهداف سیاست بین المللی خود و از راههای دستیابی بدان سخن می گوئیم. بنابر این، سیاست ما کاملاً قابل اعتماد و عاری از هر گونه معما و ناروشنی است. این، سیاستی مبتنی بر اندیشه لنینی مزیستی مسالمت آمیز دو نظام متضاد است. ما بر آنیم که برای دولتها و احزابی که به مسئولیت خود در قبال سرنوشت جهان در قرن پر تناقض ما آگاه باشند، تنها یک سیاست ثابت و قابل اعتماد، شایسته است."

اعلام وضع فوق العاده در نیکاراگوئه

سه شنبه گذشته، دولت نیکاراگوئه به مدت یک سال "وضع فوق العاده" اعلام نمود. دانیل اورتگا رئیس جمهوری اظهار داشت علت این اقدام، ادامه تجاوز ایالات متحده آمریکا و تلاشهای سازمان سیا برای استفاده از گروههای ضد انقلابی به منظور بی ثبات کردن دولت مردمی نیکاراگوئه است. اورتگا گفت ایالات متحده همه تلاشها برای حل اختلافات را نادیده می گیرد. وی افزود: " علیه خلق ما، کل زرادخانه تروریستی به کار گرفته شده است. آمریکا مزدوران را تامین مالی،

سازماندهی و هدایت کرده، بانیر وهای خود همپنان در جوار مرزهای زمینی و دریایی ما مانور انجام می دهد و پیوسته ما را تهدید به مداخله نظامی مستقیم می کند." اورتگا خاطر نشان ساخت با توجه به کمک بزرگ اخیر آمریکا به ضد انقلابیون، دولت نیکاراگوئه به منظور حفظ اقتصاد مورد تهدید کشور و جلوگیری از ادامه ثبات زدائی در نیکاراگوئه، وض فوق العاده اعلام نموده است. رهبر نیکاراگوئه تاکید کرد: " نمی توان دست به سینه نشست و شاهد توطئه چینی ضد انقلاب داخلی بود."

اعدام جنایتکارانه "پنجاهمین مالویز"

در آفریقای جنوبی

روژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی جمعه گذشته مرتکب جنایت جدیدی شد. "مالسلا پنجاهمین مالویز" شاعر میهن پرست سیاحتیست، به دستور سران رژیم آپارتاید به دار آویخته شد. نزدیک به دو ماه قبل، اعتراض گسترده افکار عمومی جهان، رژیم پرتوریا را واداشته بود اعدام "مالویز" را که قرار بود ۲۱ ماه اوت انجام شود، به تعویق اندازد. مالویز ۲۰ سال داشت و عضو کنگره ملی آفریقای بود. اعدام مالویز به اتهام ساختگی قتل یک مامور پلیس انجام گرفت.



مادر "پنجاهمین مالویز" پس از آخرین ملاقات با فرزندش در پاسخ سوالی درباره روحیه خود گفت: "من نیرومندم زیرا او نیرومند است."

سه شنبه گذشته، بار دیگر طی درگیریهای شدیدی میان مردم و پلیس رژیم آپارتاید، چهار نفر به دست نژاد پرستان به قتل رسیدند. از سوی دیگر، وزارت دفاع آنکولا طی اطلاعیه ای اعلام کرد سه شنبه گذشته استان "کواندو-کوبانگو" واقع در جنوب شرقی این کشور بار دیگر مورد حمله ده هواپیمای آفریقای جنوبی قرار گرفت.

شیلی: راهپیمایی به سوی زندان پینوشه

شیلی در هفته گذشته بار دیگر شاهد تظاهرات مردم این کشور علیه دیکتاتوری فاشیستی پینوشه بود. گروهی از مردم سانتیاگو پایتخت این کشور، با شرکت در یک راهپیمایی به سوی زندان سانتیاگو ساختمان دادگستری، خواهان آزادی رهبران زندانی اپوزیسیون شدند. این راهپیمایی، به دعوت سازمان سندیکایی "فرماندهی ملی زمستان" (س. ان. ت.) و اتحادیه دانشجویان انجام گرفت. هر سه

ائتلاف حزبی عمده اپوزیسیون شیلی، که عبارتند از "اتحاد دموکراتیک" (شامل حزب دمکرات مسیحی)، "جنبش دموکراتیک مردمی" (شامل حزب کمونیست و سازمان "میر") و "بنوک سوسیالیستی"، از دعوت به راهپیمایی اعلام پشتیبانی کرده بودند. پخس رژیم پینوشه برای مقابله با تظاهرات به تانک اشک آور و ماشینهای آبپاش متوسل شد. در تظاهرات سانتیاگو و در سایر شهرها، سه شنبه گذشته ۲۱۰۰ نفر زخمی و ۲۲۰ تن بازداشت گردیدند.

راهزنی هوایی دولت آمریکا

بر آن، نخستین بار در تاریخ هواپیمایی، چلنده های یک کشور هزاران کیلومتر دور از قلمرو دولت خود، یک هواپیمای غیر نظامی متعلق به کشوری دیگر را وادار به تغییر مسیر و فرود آمدن کردند. این عمل راهزانه، به دستور دولت ریکان انجام گرفت که سالیست میامی کوششهای درباره "ضرورت مبارزه با تروریسم" به راه انداخته است. واشنگتن که همین چند ماه پیش، فرودگاه بیروت را به بهانه "عدم وجود امنیت" تحریم کرد و دولت یونان را تحت پوشش "نابینایی" در مبارزه با هواپیمایان "مورد حمله قرار داد، علناً مرتکب هواپیمای ربایی شد. هواپیمایی که نیروی هوایی آمریکایی آن را بر فراز دریای مدیترانه بود، متعلق به شرکت هواپیمایی مصر و حامل چهار رهبایند کشتی ایتالیایی "آلیکته لائورو" و شاری از مقامات سازمان آزادیبخش فلسطین بود. این هواپیمای در پایانه آمریکایی "سیکولونا" واقع در بندر سبیل به زمین نشست.

مجرای رهودن کشتی ایتالیایی، با عمل تروریستی آمریکا پایان نیافت. دولت آمریکا از ایتالیا که راهزنی هوایی واشنگتن را محکوم کرد، خواست تا رهبایندگان کشتی ایتالیایی و نیز "ابوالعباس رهبر" جنبه آزادیبخش فلسطین را که ایالات متحده مدعی است رهودن کشتی را طراحی کرده - تحویل دهد.

این تقاضا، در چاقوب تلاشهای آمریکا و اسرائیل برای دامن زدن به احساسات شونیستی ضد عربی و نیز اشراق اذمان از جنایات بی سابقه ای که صهیونیستها با همپاران مقر "ساف" در ترنس مرتکب شدند، مطرح گردید. دولت ایتالیا تقاضای ایالات متحده برای تحویل چهار رهبایند را رد کرد و به ابوالعباس اجازه خروج از این کشور را داد. این اقدام ایتالیا مورد انتقاد و حمله شدید آمریکا قرار گرفت. "حزب جمهوریخواه" ایتالیانیز ظاهر به نشانه اعتراض علیه کراسی نخست وزیر، از ائتلاف پنج حزبی رم کناره گرفت و باعث سقوط دولت ایتالیا شد.

انجام این هواپیمای ربایی به دستور دولت ریکان، حتی حسنی مبارک رئیس جمهور مصر و دوست آمریکا را واداشت تا از این عمل انتقاد کند. وی گفت: "من تصور نمی کردم یک کشور بدین گونه مرتکب راهزنی شود." این در حالی است که در مصر، مخالفان مبارک، بعضاً دولت وی را متهم به همکاری با آمریکا در ماجرای هواپیمای ربایی می کنند. هزاران نفر که تعداد زیادی از آنان را دانشجویان دانشتاه قاهره تشکیل می دادند، علیه آمریکا، اسرائیل و مبارک دست به تظاهرات زدند.

دوبله به سبک جمهوری اسلامی

دکتر سعی می‌کنم با تحقیق، تحریف‌های فیلم‌ساز را در آورم. الان فیلمی داریم به اسم مختار سردار سپاه ارمنستان و ماجرای اولین قتل عام ارمنه توسط عثمانیان است. فیلم را روس‌ها ساخته‌اند. ماطی مطالعاتی متوجه شدیم که این‌ها تاریخ را به کلی تحریف کرده‌اند. من تاریخ ارمنستان را مطالعه کردم و با بسیاری از کسانی که در این تاریخ مطالعه داشته‌اند صحبت کردم و همه را روی کاغذ آوردم. سازمان فیلم را از نو بهم ریختم. قیچی کردم. گفتارش را بر اساس کتاب تاریخ ارمنستان نوشتم. مونتاژ کردم و فیلمی شد که بر اساس تحقیق شکل گرفت. وقتی ارمنه ایران در استودیو فیلم را دیدند، آن را تسمین کردند (۱) از این تحریف‌ها در فیلم‌های خارجی زیاد است... فیلم شمشیر مانتوس را در نظر بگیرید. من ترجمه اصلی فیلم را می‌آورم. بادوبله‌اش مقایسه کنید. ببینید دیالوگ این فیلم چقدر است و در دوبله چقدر درآمده. من مقداری از این فیلم را جمع و جور کردم. هم مسیبه‌یت را نفی کرده بود و هم بت پرستی را و در کل یک فیلم ضد مذهبی بود. من این‌ها را حذف کردم و جلوی زرنگ بازی و فرصت طلبی فیلمساز را گرفتم. بیش از پنج پرده از فیلم را حذف کردم... "زمی و قاحت و بی‌شرمی!"

آیا تاکنون پیش آمده است هم اصل یک فیلم سینمایی را ببینید و هم درله شده آن را بر پرده سینماهای جمهوری اسلامی؟ اگر این "سعادت" نصیبتان نشده است، اشکالی ندارد. شماره ۲۶ مجله "فیلم" با شخصی به نام "محمود قنبری" مدیر پررونق‌ترین استودیو دوبله‌ها در

ایران، مساحبه‌ای ترتیب داده که در آن خیلی صریح نحوه اعمال یک سانسور و قیچانه در دوبله فیلم‌های خارجی تشریح شده است. چندی که از "نشان" برادر مسعود قنبری "دوبلور صد در صد مکتبی، مشهور به "کارتر در پست صفحه" را در زیر می‌خوانیم:

"من جدا از در مورد فیلم‌هایی که به نوعی دستخوش تغییر شده ناراحت نیستم. چون به تصدیق خیلی‌ها بهتر شده. یک سری مسایلی در بعضی از فیلم‌های خارجی هست که شما اگر عیناً فیلم را دوبله کنید، درشورا رد می‌شود. مثلاً من چندی پیش فیلمی را به نام مردم در باتلاق دوبله کردم که زهر بنای مارکسیستی داشت. چنین فیلمی را نمی‌شود مستقیماً دوبله کرد و به ارشاد ببرد. من سعی کردم زهر این فیلم را چه از نظر قصه و چه تصویر بپذیرم ولی بعضی از فیلم‌ها را نمی‌شود کاریش کرد. من در مورد بعضی از فیلم‌های تاریخی،

مردم چه می‌کشند

● کیهان - ۲۹ مرداد:

پیش گرفته بود و در خاطره سایه‌وار روزی که از سرگذرانده بود می‌گشت. صدایی از دور بلند شد و عابر بی‌اختیار، دست آن را در پیش گرفت.

مردی بود و استغاثه‌ای و چهارپا پنج مرد زمخت و قلدر که به زور، بسته‌ای را از او جدا می‌کردند. مرد، حدود ۴۵، ۵۰ سال سن داشت، ولی مثل بچه‌ها می‌گریست، رنگ به رخسار نداشت... دستانش می‌لرزید.

و بعد زور آنها که بیشتر بودند، بگریید. آن طرف‌تر دو وانت آبی و زرد، توقف کرده بودند و روه، آنها نام "شهرداری تهران - منطقه ۱۲" به خطی خوش، نوشته شده بود.

همه بار مرد، حدود ۶۰ یا ۷۰ جفت جوراب بود.

جورابهایی که فروش آنها شاید، تنها مهر درآمد مرد بود. مرد به ست وانت‌ها دوید و بعد دستی محکم به سینه‌اش خورد که "بی‌احسن آباد". جمعیت ازدحام کرده بودند و انبوه "عابران" نظاره‌کننده صحنه‌ای تلخ بودند.

مرد، با نگاه، وانت‌ها را که دور می‌شدند، نظاره کرد و بعد، چهره محاله شده‌اش را به سوی "عابر" برگرداند.

عابر، در سکوت، بدون آن که کلامی بگوید، از حال مرد چوپا شد. مرد، آرام بغضش را فرو داد و بعد...

"بابا، کجا برم؟ می‌کنم پرو دهات کارکن! کدوم دهات؟ مکه زمین دارم که برم؟ با کدوم پول؟ صبح تا شب دلم به این خوش است که ۴۰، ۲۰ تا جوراب می‌فروشم و خرج زن و بچه را در می‌آورم، به همین هم راضی نیستم! آخه برم سرم رو بذارم و بمیرم؟!..."

عابر، لحظه‌ای مرد را انگریست و بعد به حرف آمد: "برو حسن آباد، تا دیر نشده، شاید..."

عابر، منتظر جواب مرد نشد، می‌دانست بیهوده، مرد را امیدوار کرده است.

شب بود و بوی تند شرجی سنت آزار دهنده. نفس بریده می‌شد. بندر لنگه در چنین حال و هوایی غنوده بود آسمان چولانگاه پولک‌ها، در غشای موج بود که نگاه نوازش می‌یافت. مردم در آرامش رفته بودند تا رنج و سختی کار در هوای داغ و خفقان آور روزانه را از تن بیرون کنند. بیرون که نه، نوعی تلقین به رایتی - که غرض یک هنیکوپتر حریر سکوت شبانه بندر را لرزاند. پلک‌هایی برید و چشمانی نیم خواب و بر سرگر در سینه آسمان شب دوید...! هنی کوپتر دایره‌وار آسمان را دور زد و سرانجام در محله بیمارستان دکتر بهشتی فرود آمد. صدای موتور هلی کوپتر از گوش شهر افتاد. پنجره‌های برخی از خانه‌ها هم بسته شد. لحظاتی بعد تنی چند در پای پلکان حاضر شدند. در هلی کوپتر کشوده شد. وزیر بهداشت بود که پیاده شد و چند نفر همراهش. وزیر و همسرانش وارد بیمارستان شدند. مختصر بازدید و... هنوز موتور هلی کوپتر در داغ پرواز کد اخته بود که از زمین کنده شد و باز غرض، فضای شرجی بندر را شکافت و دینار بار سکوت شکسته شد. وزیر بهداشت و همراهان را بازمی‌گرداند...

مردم بندر لنگه صبح که از خواب بیدار شدند، خبر ورود و خروج شبانه وزیر بهداشتی به شهرشان را شنیدند.

آری، وزیر بهداشتی در خاموشی آمد و در خاموشی شبانه هم رفت بی آنکه اهالی وجود ایشان را ببینند. مردم حرفه‌ایشان در انبار کهنی تلویار ماند. حرفه‌ایی از این بندر محروم داشتند - که دارند - از اینکه نیاز به بیمارستان مرتب و مجهز دارند و... و... اما فاصله‌ای بین مردم با وزیر بهداشتی کشور از زمین تا آسمان بود.

بندر لنگه - خبرتار کیهان

● اطلاعات ۱۷ مهرماه:

بعد از ظهر بود و عابر، مانند هزاران کارمند دیگر، راه خانه را در

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثريت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

اروپا		دیگر نقاط		بهای اشتراك نشریه "کار":	شش ماهه ☐	یک ساله ☐
اروپا	دیگر نقاط	اروپا	دیگر نقاط			
۱۱ مارك	۱۳ مارك	۲۱ مارك	۲۴ مارك			
۲۷ مارك	۳۰ مارك	۵۲ مارك	۵۸ مارك			
۱۰۲ مارك	۱۱۵ مارك					

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید):

حساب بانکی:

AUSTRIA - WIEN
BAWAG
NR. 029 10701 - 650
DR. GERTRAUD ARTNER

AKSARIYAT
NO. 79
MONDAY OCT 21 .85
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY